

نامه سرگشاده علی خاوری، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران به حضرت آیت الله العظمی منتظری

صفحه ۲

راه توده

نشریه هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۲۹ بهمن ۱۳۶۱ مطابق ۴ جمادی الاول ۱۳۰۲ و ۱۸ فوریه ۱۹۸۲ سال اول شماره ۲۹ پست ۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰

پیام هیئت تحریریه روزنامه "راه توده"

به همه علاقمندان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران

با تجهیز تمام نیروها برای حفظ دستاوردهای انقلاب شکوهمند مردم ایران بکوشیم! حق قانونی و فعالیت آزاد سیاسی حزب توده ایران و دیگر سازمانهای مدافع انقلاب ایران را بطلبیم! آزاد ساختن رهبران حزب توده ایران و در رأس آن، رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران را از امام خمینی، رهبرانقلاب و دیگر دولتمردان جمهوری اسلامی ایران خواستار شویم!

طبق اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، مورخ ۷ فوریه ۱۹۸۲ جمعی از رهبران و مسئولین حزب توده ایران، از جمله رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران در تاریخ هفدهم بهمن ۶۱ (۶ فوریه ۸۲) در تهران بازداشت شدند.

این مدافعان آزادی و عدالت اجتماعی و شخصیت های برجسته جنبش کمونیستی و کارگری ایران و جهان را به اتهام واهی "جاسوسی" و "جعل اسناد" دستگیر کرده اند. این اتهامات دروغین و ردیلا نه و امپریالیسم ساخته بیان کننده عمق توطئه های است، که نه فقط علیه فعالیت سیاسی قانونی و آزاد حزب توده ایران و سایر دگراندیشان مدافع انقلاب و همچنین بقیه در صفحه ۱۹

نامه سرگشاده اعضا و هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور به دولتمردان جمهوری اسلامی ایران

جناب حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهوری اسلامی ایران
 جناب حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی
 جناب آیت الله موسوی اردبیلی، رئیس دیوان عالی کشور
 آقای موسوی خامنه ای نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران
 آیت الله مانهائی دادستان کل کشور
 جناب حجت الاسلام موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب اسلامی ایران
 و بقیه همه پیروان راستین خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی

خبر بازداشت رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و جمعی دیگر از مسئولین طراز اول حزب توده ایران و همچنین شخصیت های ادبی و هنری ایران موجب نگرانی عمیق هواداران انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما در خارج از کشور شده است.

یکی از انگیزه های خلق در جانفشانی و فدکاری ایثارگرا نه برای سرنگونی سلطنت و رژیم وابسته شاه معدوم، سرکوبی هر نوع حقوق قانونی و آزادی های قانونی خلق توسط رژیم پلید پهلوی بود، و لذا جای شگفتی نیست، که شعار آزادی در جوار خواست استقلال کشور و تامین عدالت بقیه در صفحه ۸

اظهارات آقای وزیر کشور، قاضی حداد با واقعیت در انطباق است؟

حجت الاسلام ناطق نوری، وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران در کتبهان ۱۹ بهمن ۱۳۶۱، در عین اعلام خبر بازداشت رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و بسیاری دیگر از اعضا و سران حزب توده ایران، که به اتهام واهی "جاسوسی و جعل و اعمال خلاف" انجام شده است، مدعی است که گویا هر نوع حرکت دشمنان انقلاب اصیل اسلامی کشورمان را مهار کرده ایم.

آیا آقای وزیر کشور می خواهد به مستضعفان، زحمتکشان و کوخ نشینان، که به گفته امام خمینی، ستون فقرات انقلابند و تمام شهیدان انقلاب از میان آنها به خاک خونین میهن انقلابی در افتاده اند، اطمینان دهد، و از آنها بخواهد که با خیال راحت بنشینند، که کشور پر امن و امان است؟ آیا آقای وزیر کشور می خواهد به زحمتکشان و صاحبان واقعی انقلاب اطمینان دهد، که با بازداشت "سران حزب توده"، آخرین "خطرات" از انقلاب دور نگه داشته شده است؟

آیا وی به زحمتکشان شهر و ده ایران، آتشی که به خاطر تحقق عدالت اجتماعی در جامعه علیه رژیم دست نشانده پهلوی قد علم کردند اطمینان می دهد، که دیگر آتشی که دستگیر نشده اند، خطری برای بقیه در صفحه ۴

توطئه خطرناک علیه جنبه های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب

بدنبال پایمال کردن کامل آزادیهای سیاسی، نیت استقلال و عدالت اجتماعی خواهد رسید

با حاد شدن پیکار طبقاتی در کشور ما طی ماههای اخیر که نمونه های برجسته آن عبارت بود از: تدوین قانون کسار ضد کارگری و رد تمام قوانینی که بطور دست و پا شکسته گوشه ای از منافع دهقانان و زحمتکشان شهری را در خنود منعکس میکرد از سوی شورای نگهبان و از جمله

قانون بازگانی خارجی که میتوانست راه نفوذ امپریالیسم را در اقتصاد کشور بمقدار زیادی سد کند، دیگر انتظار یک هجوم همه جانبه از سوی ارتجاع در چهره قشریون انحصار طلب و وابستگان به سرمایه دارن غارتگر و زمین داران بزرگ میرفت. حزب توده ایران بعبثابه مدافع صدیق و پیگیر منافع توده های زحمتکش خلق و بیان کننده مصالح عمیق ملی و میهنی، همیشه چون خاری در بقیه در صفحه ۵

درد بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

صفحه ۴

نامه سرگشاده علی خاوری، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران به حضرت آیت الله العظمی منتظری

اطلاعیه شماره ۱۰۰۰

حضرت آیت الله،

انقلاب میهن عزیز ما روزهای بسیار دشواری را از سر میگذراند. احساس مسئولیت عمیق در قبال سرنوشت انقلابی که بحق از شوکمندترین انقلابات ضد امپریالیستی و مردمی دوران ماست، همزنجیر سابق شما را بر آن داشت که با ایسن مختصر برده از یکی از فجع ترین حوادث تاریخ کشور و انقلاب ما بردارد و کتبه و محتوا و انگیزه یورش عهد شکنانه علیه حزب توده ایران و رهبری آنرا بر ملا سازد.

در همین آغاز بگویم. افرادی میتوانند بپرسند حالا چرا؟ امروز چرا؟ چرا پس از یورش وسیع اخیر به حزب توده ایران؟

اولا در دست بخاطر اهمیت جواب همین چسرا، بخاطر یورش عجیب به حزبی که نام خود، رگ و ریشه و محتوا و اهداف خود را از توده های زحمتکش گرفته است. ثانیا چه موقع و در چه مواردی حزب توده ایران نسبت به مسائل انقلاب میهن ما از کوچک گرفته تا بزرگ سکوت کرده است که حالا بکند؟ مقاماتی از جمهوری اسلامی ایران برای ایسن یورش عجیب بهانه های عجیب تر که بهیچ وجه تعدیح است و نه اصل و نه برارنده اخلاق اسلامی که شما یکی از نمایندگان بنام و از اسطوره های آن هستید عنوان کرده اند.

حضرت آیت الله، شما از حافظه خوبی برخوردار هستید. بهار و اوایل تابستان ۱۳۴۵ را بیاد بیاورید. همان روزهایی که شما و فرزند د لیر و فد اکارتان در سلولهای زندان قزل قلعه، در چنگال د زخمیان خون آشام رژیم شاه گرفتار آمده بودید. من این خاطره را برای اولیسن باز منتشر میکنم، زیرا وجوه تشابهی بین آنچه که امروز با دستان زندانی من میگذرد با آنچه که در آن سالها با شما و همین مردان مبارز ایثارگر و دریند میگذشت، دیده میشود.

رفیق شهید حکمت جو و من د و سال از زندان و شکنجه را پشت سر گذاشته بودیم. روزهای بیدادگاه سلطنتی یکی پس از دیگری میگذشت. شما در آنجا، در آن روزها برای اولین بار با اشخاصی از نزدیک آشنا میشدید که نماز نمی خواندند ولی با فروتنی و اخلاص، با ایمان و اعتقاد، بفرادای مستقل و آزادی برای وطن و نجات مردم در بند آن، با عشق به هر آنچه انسانی و مردمی است جان بکف با دستهای در زنجیر به بیدادگاه شاه میرفتند و میامدند. شما سخت ناراحت بودید. روزی از من پرسیدید میخواهند با شما چکار کنند، گفتم وعده اعدام میدهند. پرسیدید. جدی است؟ گفتم: کسی در این میانه خیال شوخی با کسی ندارد. پرسیدید شما چکار خواهید کرد؟ گفتم د فراع، و در حقیقت حمله بر رژیم نامرد می.

پرسیدید واقعا ممکنست اعدام کنند؟ گفتم تقریبا تردیدی نیست. فرمودید. نمیشود اقدام کرد و از این کار اجلگیری بعمل آورد. گفتم فقط در یک صورت و آنهم اینکه ما از عقاید مان دست برداریم. و ما در قبال دریافت حق حیات بهر قیمت یعنی به قیمت خیانت به آمال و آرزوهای انسانی حزب و مردم مان، سرگ شرافتمندانه را ترجیح میدهم و شما واقعا احساس میکردید که ما چنین سرگی را عاشقانه استقبال میکنیم.

از شهود دادگاه و تجدید نظر همان روزها بپرسید. آخرین جملهای که بنمایندگی از طرف حزب توده ایران و در دفاع از آن گفتم چه بسوده. این مطلب را من برای اولین بار مینویسم زیرا همان فرسوتی که حزم به همه فرزندان شما است مانع از این بوده است که تا کتون در مطبوعات از آن بیاد کنم. جملهای بود که در خطاب به رئیس و اعضا دادگاه گفته شد. دقیقا با ایسن عبارت: "ریاست دادگاه، قضات دادگاه! شما امروز ما را در مقابل انتخاب یکی از د و امر قرار داده اید. یا اینکه دست از عقاید انساندستانه و میهن دوستانه خود برداریم و یا اینکه ما را اعدام خواهید کرد. من با صدای بلند اعلام میکنم بکشید بالا." بخشید از اینکه مجبور شد ام چنین لحظهای را امروز یاد آوری کنم.

مقصودم معرفی روحی است که حزب توده ایران فرزندانش را با آن بار آورده است و میاورد. آنروزها شما ناراحت و ضح ما بودید و ما ناراحت و نگران بخاطر وضع شما و دیگر یاران شما، با اتهاماتی که ما وارد میکردند شما آشنا بودید. "توطئه علیه رژیم سلطنتی و سوء قصد بجان شاهنشاه آریامهر و جاسوسی". آری، و جاسوسی. با همین اتهام واهی، قهرمان ملی ما خسرو روزبه، مردانی شریف و سربلند مانند سرهنگ سیامک، سرهنگ مشیری، سرگرد وکیلی، حکمت جوها، تیزابسی ها و صدها و صدها فرزند ان برومند و فد اکاز حزب ما به جوخه های آتش سپرده شدند. این رسم دیرین امپریالیسم و سرمایه دار است که مخالفان خود را با چنین شیوهای مرعوب و بیابند کنند. ولی جمهوری اسلامی ایران چسرا؟

هستگی، پشتیبانی و همدردی نیروهای ضد امپریالیست، استقلال طلب و آزاد یخواه جهان را با حزب توده ایران و هستگی حزب توده ایران را با آنان نمیتوان بنام دیگری نامید.

پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و تشکیل نخستین دولت کارگری و دهقانی در جهان، امپریالیسم و سرمایه دار غارتگر همه رزمندگان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در هر گوشه از جهان را با چنین

اتهامی به اتهام وابستگی، اتهام جاسوسی و در خدمت بیگانه بودن متهم ساخته است. یکایک جنبش های آزاد بیختر خلقهای آسیا، افریقا و آمریکای لاتین را از نظر بگذرانید، خلاقی در این ادعا نخواهید دید. میلیونها رزمندگان راه استقلال و آزادی الجزایر، کوبا و ویتنام قهرمان، نیکاراکونه و دیگر خلقهای مبارز و ضد امپریالیست جهان، سازمانها و رهبران جنبش های مزبور در همین فهرست سیاه امپریالیسم با انتساب همین گونه اتهامات گنجانیده شده اند. همچنانکه مسلمانان مبارز و اصیل و همه نیروهای مترقی کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیستند. شما میتوانید تدقیق کنید و بدانید که حزب توده ایران با همه امکانات محدود خود از نخستین روزهای فعالیت سیاسی اش تا به امروز به جنبش های آزاد بیخش ملی و ضد امپریالیستی جهان کمک کرده است. آیا میتوان جنبشها و احزابی که مورد پشتیبانی حزب ما قرار گرفته اند را در خدمت و وابسته به حزب توده ایران دانست؟ و آنها را جاسوس حزب ما معرفی کرد؟

این آثار اندرانی برای امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و بزرگ سرمایه داران و کلان زمین داران لازم بوده و هست تا غارتگری خود را بی دغدغه و بی مانع انجام دهد. حضرت آیت الله، امروز شما خود ناظر بر جریان امور میهن ما هستید. ریشه اختلاف بین شریعتداری ها و شهید بهشتی ها و ممد منتظری ها در کجاست؟ چرا نمی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای رفع ظلم از دهقانان زحمتکش و محروم بنحوی لایحه قانون احیا و واگذاری اراضی مسزروسی را تصویب میکنند، آنرا اسلامسنی و شرعی میدانند و چرا نمی دیگر از همین نمایندگان مجلس و دیگرانی آنرا غیر اسلامی و غیر شرعی میخوانند؟ چرا حضرت شما، شهید آیت الله بهشتی و آیت الله مشکینی حق دهقانان محروم را بنام اسلام برسمیت میشناسید و چرا دیگرانی درست به همین نام آنرا مردود و غیر شرعی میخوانند؟

ماهیت اختلاف آقای توکلی وزیر کار با کارگران زحمتکش و با محتوای سخنان آیت الله موسوی اردبیلی در مورد قانون کار در چیست؟ قانون ملی کردن بازرگانی خارجی که مهر تأیید قانون اساسی و رای مجلس خبرگان را بر پیشانی خود دارد، چسرا پس از ماهها و ماهها بحث و مذاکره و حتی تصویب هنوز مرده بی جانی است و چسره کسانی در راه اجرای آن سنگ اندازی میکنند؟

انسان
تفاهد مسافران
در این کشور

مسئله افغانستان، دستاویز ایجاد اتحادیه ارتجاعی در منطقه

مدتی است که رسانه های امپریالیستی تبلیغاتی سو خود را بر علیه افغانستان انقلابی بشدت افزایش داده و صفحات مجلات و روزنامه های خود را انباشته از گزارشات و نقل قولهایی از "مسافران" و "دیپلماتهای غربی" و یا تحریف و تمجید از مہمان نوازیها ضیا الحق از مهاجرین افغانی کرده اند، همزمان در پایتخت های کشورهای امپریالیستی آمریکا و اروپای غربی و کشورهای آمریکا زدهای چون پاکستان بر علیه دولت افغانستان "تظاهرات" برپا داشته و به کمک اوپاشانی که باید حسابشان از اکثریت مهاجرین زحمتکش افغانی (که در واقع عوامل امپریالیسم خود مسبب مهاجر بودن آنها هستند) جدا کرد، با شیوه های زندہ های پها هانت دو کشور افغانستان و اتحاد شوروی پرداختند. کینه و دشمنی هارترین جناحهای امپریالیستی و دست نشاندهگان آنها هقابل انتظار است و هم بیانگر درستسی

فهد و مبارک و غیره بارها از پرده در افتاد، اگرچه این پرده در کشور ما پرده دری بود و در واقع "مجاهدین مسلمان" دستبوسی ریگانها را افتخار خود دانسته و آنرا با بقی و کرنا اعلام کردند. رهبران این جریانات ضد انقلابی که خود از فتودالها و سرسپردگان به امپریالیسم بود و مقام و منصب غارتگرانه خود را در اثر انقلاب مردم افغانستان از دست داد هاند در واقع به تمام معنی همان اویسی ها، پالیزیانها و سایر ضد انقلابیون فراری خود مان هستند که با تشویق و ترغیب امپریالیسم در پایگاههای خود در ترکیه و عراق و پاکستان تدارک سرنگونی جمهوری اسلامی و بازگشت به دوران غارتگری و سرسپردگی سابق را می بینند. اگر اویسی ها و پالیزیانها با همکاری امپریالیسم آمریکا تیخ خود را علیه مردم ایران تحت نام مبارزه با "حکومت ملاحا" می

او اخر سال گذشته یعنی در سپتامبر ۱۹۸۲ نیز لایحه کمک رسانی به ضد انقلابیون افغانی در کنگره آمریکا بتصوب رسید و همین چند هفته پیش بود که ریگان در پیام خود بمناسبت سال نو مسیحی اعلام داشت که ایالات متحده از "مبارزان" افغانی که در راه برقراری "حکومت اسلامی" در کشورشان بپا خاسته اند با تمام امکانات خود پشتیبانی می کند! پاسخی مردم افغانستان البته باین گستاخی یک رامپلم غی دوست هزار نفری در شهر کابل با شعار "مرگ بمریکا" و "مرگ بمرتجاع" بود.

واقعیت جامعه افغانستان چیست؟

دستگاه عریض و طویل تبلیغاتی امپریالیستی روزی نیست که از قبل "مسافران" و "دیپلماتهای غربی" بر علیه افغانستان دروغ پراکنسی



"مجاهدین افغانی" در آستان اریابان امپریالیستی خود

نکنند، بارها و بارها وزرا و مقامات افغانستان بدست "مبارزان مسلمان" کشته و اسیر گشتند. ولی چند روز بعد همان وزرا و مقامات در افغانستان صحیح و سالم بیمارستان و مدرسه و کارخانه افتتاح کردند، بیش از تمامی خاک افغانستان بارها به اشغال "مبارزان مسلمان" درآمد و نفراتی بالغ بر کل افراد ارتش این کشور کشته و یا به "مجاهدین" پناهنده شدند. رسانه های کشور ما نیز متأسفانه در کنار این دستگاه دروغ پراکنی امپریالیستی و صرف کنندہ این خسروک امپریالیستی در بعضی مواقع حتی گوی سبقت را از خود سازندگان خبرهای جعلی می ریبند اگر تنها به خبرهای رادیو طی سم چهار ماه اخیر اکتفا کنیم در حال حاضر می باید بجزء میست نفر چیزی از ارتش افغانستان بر جای نمانده باشد و این باعث تأسف عمیق هر انسان شریف ویی غرض است که برای مردم انقلابی ایران آرج قائل است و میل دارد امکانات تبلیغاتی ایران انقلابی را در خدمت محرومان و در جهت انعکاس مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای جهان و بخصوص منطقه به بینند.

چیزی که هرگز از این تبلیغات کر کنده و شنیده بقیه در صفحه ۱۲

کشد، اویسی ها و پالیزیانهای افغانی یعنی همان فتودالها و غارتگران فراری زیر لوی "اسلام" دست به شنیع ترین جنایات علیه مردم افغانستان می زنند. آنها مدرسه ها را به آتش می کشند، کودکان دبستانی را می ربایند و می کشند، به آموزگاران زن تجاوز می کنند، بیمارستانها و مساجد را در هم می کویند و دهقانیانی که بر اساس قانون اصلاحات ارضی جمهوری دمکراتیک افغانستان صاحب زمین شده اند به قتل می رسانند و همه اینها تحت نام "اسلام" و پاپشتیبالی ریگان و ضیا الحق و مبارک و فهد، این سینه چاکان "اسلام" آمریکائی انجام می گیرد. مجله نیوزویک ۸ نوامبر ۱۹۸۲ در مقاله ای تحت عنوان "آیا عملیات پشت پرده ضروری است؟" می نویسد: "علاوه بر ماجراجویی در نیگاراگوئه، نیوزویک مطلع شده است که در حال حاضر عملیات شبه نظامی "سیا" در بیش از ده کشور از جمله افغانستان صورت می گیرد. ما مهربت افغانستان در بر گیرنده تنها یک مشت ماموران "سیا" می باشد ولی این سازمان صدها میلیون دلار صرف ارسال سلاح برای شورشیان (مجاهدین مسلمان افغانی) از طریق کشورهای ثالث مثل مصر کرده است."

راهی است که افغانستان انقلابی در مسیر تحل و بهبود وضعیت زحمتکشان و رهائی آنها از ستمهای فتودالی و عقب ماندگی می بیند، اما آنچه که هر انسان دوستدار انقلاب ایران را در هر کجای دنیا متأثر می کند موفقیت این جریانات در قرار دادن ایران انقلابی در کنار خویش است و این در حالی است که در هیچ یک از کشورهای مترقی و از بند امپریالیسم رسته چنین حرکتی اتفاق نیفتاد و جمهوری اسلامی ایران بر خلاف شان و منزلت خود قافیه نامریوطی است که در این شعر تزویر امپریالیستی نا آگاه گرفتار آید است. بی جهت نبود که خبر "تظاهرات افغانی ها" در تهران و حمله به سفارت اتحاد شوروی با شور و شحف زیاد در تک تک بولتن های خبری بیست و چهار ساعته از رادیوهای امپریالیستی و بخصوص سرویس جهانی بی بی سی پخش شد.

"مجاهدین مسلمان" افغانی کیستند؟

در مورد باصطلاح مجاهدین افغانی بارها و بارها حتی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران مطالب افشاگرانه ای بچاپ رسید هاند و خبر آستان بوسی آنها در بارگاه ریگان و سادات معدوم و

درد بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای بسیار عزیز!

مبارزان راستین و آبدیده جنبش کارگری ایران، درود بر شما و بر پاییز پیمان! یورش ناجوانمردانه‌ای که بدست نیروهای راستگرا و مخالفان تعمیق انقلاب به حزب ما انجام شده و بازداشت جمعی از شما فرزندان راستین و صادق طبقه کارگر هشیار ایران، و در رأس آن دستگیری رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده، ایران، آندوه و خشم همه مدافعان انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما را برانگیخته است. شما را متهم می‌کنند که "جاسوس" اید و به "جعل اسناد" دست زده‌اید!

اما کیست که نداند، که این "اتهام" چقدر وادیهی، دروغین، ساواک و امپریالیسم ساخته است، کیست که نداند، که این "اتهام" دیرینه بهترین سند تاریخی است برای افشای دستی که برای ضربه زدن به حزب ما و از این طریق به انقلاب ما بالا رفته است،

کیست که نداند، که این "اتهام"، "جرم" تمام انسانهای میهن دوست و مدافع مناقض زحمتکشان و سیه روزان در تمام ادوار تاریخ بوده است،

کیست که نداند، که با این "اتهام" و "جرم" چه انسانهای شریفی به چوبه اعدام بسته نشده اند، کیست که روزها، سیامک‌ها، مپشری‌ها، وکیلی‌ها، گلسرخ‌ها، دانشیان‌ها و صد ها صد ها مبارز توده‌ای را فراموش کرده باشد، مبارزینی که علیه رژیم خائن پهلوی سربلند و با قدی برافراشته و قدمهای استوار تا پایان راه حفاسه‌ای خود را طی کردند،

کیست که نداند چرا رژیم خائن و جنایتکار شاه جز "اتهام" واهی، "جاسوسی"، "جرمی" دیگر برای این راد مردان راستین نیافت! رژیم

شاه خائن نتوانست به این انسانهای والا نه تهمتی در تجاوز به حقوق خلق، و یا انحراف در دفاع از حقوق خلق و زحمتکشان وارد سازد و چاره‌ی نداشت، که آنها را در واقع به "جرم" میهن دوستی و در ظاهر به "جرم جاسوسی" اعدام کند، زیر شکنجه شهید سازد و سالهای طولانی به زندان افکند.

کیست که نداند که تعمیری‌ها، پینوشه‌ها و دیگر خائنین به خلق هم مانند رژیم خائن شاه پیرای سرکوب خلق و انقلاب با سرکوب کمونیست‌ها آغاز کردند.

اکنون دشمنان انقلاب و خلق ما می‌کوشند بدست راستگرایان، مدافعان کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی شما را با همین دستاویز و اتهام دروغین مورد هدف قرار دهند، تا انقلاب را پشکنند، گذشته سیاه را مسلط سازند، آب رفته را به جوی بازگردانند و ایران را به صحنه پایکوبی و شادی مجدد امپریالیسم و ارتجاع تبدیل سازند. آنها برای براندازی جمهوری اسلامی ایران شما را سر راه اقدامات شبهکارانه خود می‌بینند، همانطور که قطب زاده، مامور مزدور "سیا"، شما را سر راه خود می‌دید و "چند ماه پیش از آن که آخرین مرحله توطئه براندازیش آغاز شود، به همدستانش رهنمود داده بود که برای برانداختن حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی ایران، باید اول حزب توده، ایران را از سر راه برداشت." (نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده، ایران به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۶۱/۲/۲۸)

رفقای عزیز!

ما، به عنوان شاگردان و از شما آموختگان یک بار دیگر به تعهد خود در مقابل حزب، کمیته مرکزی آبدیده و انقلابی آن، در مقابل اهداف ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب،

در مقابل طبقه کارگر هشیار و رزمنده ایران تعهد خود را تکرار می‌کنیم! ما با فشرده تر کردن صفوف خود و تنگ تر کردن حلقه خود بدور کمیته مرکزی حزب توده، گوش به زنگ راهنمایی‌ها و رهنمودهای شما هستیم! ما همانند رفقای توده‌ای و فدائی اکثریت در ایران پرچم خونین انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی میهن ما را، کمر آن اهداف استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی برای زحمتکشان، برای طبقه کارگر محروم برای دهقانان زجر دیده و پینه به دست، خشک شده است، از دست نخواهیم داد! ما دست دوستی و همکاری صادقانه خود را به سوی تمام مسلمانان مبارز پیرو راستین خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی دراز می‌کنیم و دست آنها را، که همانند دست ما در خطر است، می‌فشاریم.

رفقای بسیار عزیز کمیته مرکزی حزب توده، ایران!

ما با شما آزادی فوری رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب و دیگر رهبران و مسئولین حزب توده‌ای خود را می‌طلبیم و خواستار اجرای اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد فعالیت آزاد سیاسی احزاب و گروههای غیر محارب هستیم. رفقای عزیز، ما از راه دور دست شما را می‌فشاریم و برایتان در پیکار سختی و شرافتمندانه و صادقانه آرزوی توان بیشتر و موفقیت می‌کنیم.

اعضا و هواداران حزب توده، ایران در خارج از کشور

۲۲ بهمن ۱۳۶۱

نامه سرگشاده اعضا و هواداران حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۹ در خارج از کشور

توده‌ای، که بیست و پنج سال و بیشتر در زندان نه‌ای شاه معدوم همانند صخره پولادین مقاومت کرد ماند، به دست راستگرایان و ضد انقلاب نهان و عیان بند بزنید!

حزب ما و ما توده‌های‌های مقیم خارج از کشور و همه مدافعان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما، به رهبری امام خمینی، در ضمن دفاع و پشتیبانی از اهداف ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، از شما انتظار اقدام سریع و قاطع در این نبرد سرنوشت ساز را داریم.

با تقدیم احترام
اعضا و هواداران حزب توده ایران
در خارج از کشور
۲۰ بهمن ۹/۶۱ قریه ۸۳

اظهارات آقای وزیر کشور، تاجه حد با واقعیت

در انطباق است؟

بقیه از صفحه ۱

انقلاب نیستند؟ نه تروریست‌های اقتصادی خطرند و نه آنها که با پیش نویس ضد کارگری قانون کار، می‌خواهند کارگران را به بنده و برده سرمایه داران تبدیل کنند؟ نه آنها که "پینه دست دهقانان" را به عنوان سند مالکیت به رسمیت نمی‌شناسند، دشمن انقلاب و مستضعفان اند و نه آنها که در وزارتخانه‌ها با رشوه و ارتش، کارگران فروشی را دامن می‌زنند و سازمان می‌دهند؟

آیا آقای وزیر کشور می‌خواهد به خلق ایثارگر، که در جبهه جنگ و در پشت جبهه با تمام توان خود از دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم

میهن ما، به رهبری امام خمینی دفاع می‌کنند، اطمینان می‌دهد، که فرمان مشت ماده‌ای امام خمینی اجراء شده است و دیگر نه حق کشی و نه قانون شکنی انجام می‌شود، نه کسی بدون گناه و نه با اتهام جعلی و دروغین و امپریالیسم ساخته به زندان افکنده می‌شود؟

آیا واقعیت زندگی در میهن انقلابی ما با این اظهارات در انطباق اند؟ آیا خلق هشیار و انقلابی را می‌توان با حرف خواب کرد تا واقعیت را برای همیشه ببینند؟ آیا تاریخ چنین درسی می‌دهد؟

توطئه خطرناک علیه جنبه‌های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب

بقیه از صفحه ۱

والبته چنین کسانی که در يك کشور انقلابی با این صراحت از غارتگری سرمایه‌داران و زمین‌داران دفاع می‌کنند برای سرکوب حزب مدافع زحمتکشان می‌توانند تمام قید و بند های اخلاقی و انسانی را زیر پا بگذارند.

از همان نخستین ماههای پس از انقلاب، برزیلنکی نماینده امپریالیسم آمریکا به حال خود دستور داده بود کاری کنند که حمایت سیاسی اتحاد شوروی از ایران انقلابی قطع شود، تا امکان مسخ و یا نابود کردن آن فراهم گردد. این نقشه بالاخره بدست‌عمل نفوذی امپریالیسم تحقق پذیرفت و ایران انقلابی در دام شوروی ستیزی گرفتار شده. پاکستان و ترکیه، وابستگان آشکار امپریالیسم جزو کشورهای دوست و برادر شدند و در مورد افغانستان، دولت ایران همان مواضعی را اتخاذ کرد که امپریالیسم بین‌المللی و ارتجاع منطقه داشتند و دارند. شوروی ستیزی، هنوز پیش از کم کم محدود نظامی اتحاد شوروی به افغانستان برای حفظ استقلالش از گزند ضد انقلاب وابسته با امپریالیسم آغاز شد و سپس بهانه لازم را هم که چون گویا رژیم شوروی "الحادی" است و متعلق به "کفر جهانی" باز اسلام و "خدا محوری" بوحشت افتاده است ابداع کردند. اگر مسئله افغانستان و سلاحهای خریداری شده از اتحاد شوروی در زمان شاه در دست متجاوزان صدامی هم نبود، بهانه‌های دیگری می‌یافتند. مگر آقای توکلی باین علت که "درهای رحمت الهی را بر دلها بستند" به اتحاد شوروی جنگ دائمی اعلام نکرده است؟ مهم اینست که ایران، اتحاد شوروی را دشمن خونی و دائمی خود بداند تا نظام بهره‌کشی سرمایه‌داری و بزرگ مالکی پیرجا بماند و راه برای تجدید نوعی وابستگی به جهان سرمایه‌داری مسدود نشود.

انتخاب لحظه هم برای هجوم ناگهانی نا جوانمردانه علیه حزب توده ایران در خور توجه است. درست در آستانه عملیات الفجر که البته آنان نمیتوانستند از زمان آغازش بی اطلاع باشند، فرمان هجوم به مدافعان واقعی توده‌های زحمتکش خلق را صادر کردند تا قبح اعمالشان در زیر موجی از احساسات وطن پرستانه پنهان شود و در ذهن ناآگاهان میان ارتش متجاوز صدام و حزب توده ایران علامت تساوی نقش‌بندد. اینکار با آن "موازن اسلام" که خود را پایبند به آنها معرفی میکنند تعارض آشکار دارد.

اینرا هم نمی‌توان ناگفته گذاشت که طی این چهار سال، همزمان با پشتیبانی بیدریغ و مؤثر حزب توده ایران از حاکمیت انقلابی - انقلابی در مقابل با توطئه‌های گوناگون امپریالیسم آمریکا و کشته شدن اینهمه توده‌ای در جبهه‌های جنگ علیه تجاوز ارتش صدام، آقایان مشغول پرونده سازی و تدارک هجوم نا جوانمردانه بکسانی بودند که به حرمت قانون اساسی، تضمین‌های حکم‌ر رهبران جمهوری اسلامی ایران بر پایداری آنها

شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی، دولت و دیگر نهادها مقامات حساسی را اشغال کردند و می‌کوشند انقلاب را در نیمه راه متوقف کنند، و چون روشنگریهای حزب توده ایران، حزبی که علیرغم تحریکات دامنه‌دار عاقلان و فشارهای روز افزون، از چار چوب مبارزه اصولی سیاسی خارج نمی‌شود و به خواست‌های عادلانه توده‌های زحمتکش پاسخ می‌دهد و آنها را بصورت مشخص و عطفی مطرح می‌کند، نمی‌توانستند آنرا به عنوان "مدارب" از میدان بدر کنند، تصمیم قطعی گرفتند که صدای حزب توده ایران را به هر قیمت خاموش سازند.

اینرا هم باید افزود که خیلی پیش از تشریها و عمل سرمایه‌داران و زمین‌داران، گروههای توطئه‌گر وابسته با امپریالیسم بین‌المللی از حزب توده ایران وحشت داشتند و دارند زیرا بموقع از بسیاری نقشه‌های توطئه‌گرانه آنها با خبر میشد و رشته‌هایشان را پنبه میکرد. بطوریکه همه آنها باین عقیده رسیده بودند که برای ضربه پذیر کردن انقلاب، نخست باید سد حزب توده ایران را از سر راه برداشت.

از چند هفته پیش که نشانه‌هایی از تشدید تهاجم راستگرایان به مواضع مدافعان خط ضد امپریالیستی و خلقی آشکار شد، انتظار روزهای دشوارتر برای حزب توده ایران میرفت. همانطور که کمونیسم ستیزی سلاح اصلی امپریالیسم بین‌المللی برای ادامه غارتگری و چپاولی در کشورهای مستعمره، وابسته، نواستقلال و در حال رشد است، توده ستیزی و اعلام جنگ به دگراندیشان هم سلاحی است در جنگ ارتجاع داخلی برای جاویدان کردن نظام بهره‌کشی و غارتگری.

به بینید آقای توکلی وزیر کار و امور اجتماعی که از تهیه کنندگان اصلی پیش‌نویس قانون کار ضد کارگری است چگونگی کارگر ستیزی خود را رنگ آمیزی میکند: "ما در پی رجوع به آسانیم و لذا نبرد با همه آنها که درهای رحمت الهی را بر دلها بستند و انسان را از ابدیت و معاد بریدند قطع می‌کنیم و همیشه است. . . . ما هم اکنون با قاطعیت مشغول تدوین قانون جدید کار ایران بر اساسی مبنای و بینش اسلامی هستیم و معتقدیم که چنین قانونی در ترکیب و پیوند با دیگر قوانین اسلامی جامعه ما، نظامی را بی‌ریزی خواهد کرد که در آن، هر نوع ترکیب عوامل تولید وقتی پذیرفته‌است که از نظر دینی حلال باشد." و یا ملاحظه کنید که اکثریت شورای نگهبان در رد لایحه واگذاری اراضی منوعی چگونه استدلال می‌کند: "تشخیص ضرورت باید مبنی بر ضرورت عمومی و به لحاظ اوضاع و احوال موجود در سطح کشور باشد و نیاز مذکور در ماده ۱۰ که به لحاظ نیاز مشخص و منطقه‌ای و خواست افراد موضوع حکم قرار گرفته خارج از حیطه احکام ثانویه و محدود فرمان امام میباشد و از لحاظ شرعی نمی‌تواند مبنای محدودیت سلطه مالک اراضی شود."

چشم دشمنان مردم ایران بوده و هست. آنسان بدرستی بی بردماند که روشنگری‌های حزب توده ایران، تحقق بسیاری از نقشه‌هایشان را برای مسخ انقلاب و بازگرداندن تسلط مطلق مناسبات غارتگرانه سرمایه‌داری با شکست روبرو می‌کند. هنگامیکه توده‌های مردم با استدلالات روشن و قانع‌کننده حزب توده ایران پیرامون مسائل گوناگون اجتماعی و اقتصادی آشنا میشوند، دیگر بزحمت میتوان فریبشان داد. باین جهت دشمنان خلق تصمیم گرفتند که بهر ترتیب خود را از "شر" حزب توده ایران خلاص کنند.

تنها گناه حزب توده ایران اینست که مسائل را از دیدگاه علمی و مطابق با نیازهای دنیای معاصر مینگرد و آنچه را که مطرح میکنند، چون با خواستهای توده‌های زحمتکش خلق انطباق کامل دارد، خواه نا خواه بر دلها می‌نشیند و تبدیل به نیرو می‌گردد.

حزب توده ایران مبارزه اصولی و روشنگرانه علیه بازرگانان، بنی‌صدها، قطب‌زاده‌ها و نظایرشان را هنگامی آغاز کرد که نخست‌وزیر، رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه دولت برخاسته از انقلاب بودند، به میلیونها "رای" خود می‌بایند و در شورای انقلاب شرکت داشتند. در آنوقت

بسیار کسان صادق هم ماهیت واقعی این عناصر را بظاہر بیانگر منافع سرمایه‌داری وابسته نمیدیدند و تضادهای موجود میان هدفهای مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب و نظریات بظاهر "اسلامی" این سخنگویان طبقات بهره‌کش و چه بسا مانند قطب‌زاده و امیر انتظام عمال سازمانهای جاسوسی امپریالیستی را درک نمیکردند و با خوشبینی زیر پای و پرشانرا میگرفتند. در جریان تحکیم انقلاب که حزب توده ایران نقش ارزنده‌ای در آن داشت، بازرگانان، بنی‌صدرها و قطب‌زاده‌ها از صحنه خارج شدند، ولسی متأسفانه سیاست آنان در خطوط اصلی بجای ماند چرا که آنان تنها نبودند و بسیاری از رهبران برجسته مذهبی که مستقل از شرکت خود در انقلاب به ظل معینی کسب قدرت کرده بودند، مسائل را از دیدگاه منافع تنگ طبقاتی قشرهای بهره‌کش و غارتگر می‌نگریستند. والبته کسیکه متایل به نظام بهره‌کشی باشد، هر قدر هم بخواهد "عدل و قسط و انصاف" را رعایت کند، دیر یا زود در کنار سرمایه‌داری غارتگر جای خواهد گرفت. بخشی

از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، آنطور که از مجموعه رویداد های چهار سال گذشته برمی‌آید، بنا به ظل عینی گوناگون نخواست و نتوانست راه‌های مناسب با هدفهای اولیه انقلاب را برای

تکامل اقتصادی و اجتماعی کشور بیابد. در حالیکه توده‌های عظیم زحمتکشان مسلمان انقلابی و بسیاری از نمایندگان نشان در حاکمیت، خواهان انسجام اصلاحات جدی و فوری بودند و تداوم مفیدی نیز در این زمینه اتخاذ کردند، کسان دیگری که بعلت منافع طبقاتی خود اعتقاد چندانی به دست زدن به ترکیب جامعه سنتی نداشتند، بتدریج در

بازار مشترک اسلامی، از امکان تا واقعیت

چندی پیش آقای مجید هدایت زاده قائم مقام وزارت بازرگانی، بهنگام دیدار با هیئت اقتصادی - بازرگانی ترکیه باردیگر به مسئله بازار مشترک اسلامی بازگشت و گفت: "بعد از انقلاب اسلامی همکاری ما با کشورهای مسلمان جهان سوم بنحوی تنظیم شده است که در جهت حفظ منافع متقابل با این نوع کشورها گام بر می داریم ۵۰۰ می توان یا تشکیل بازار مشترک اسلامی یا امپریالیزم بین المللی مقابله نمود و منافع کشورهای اسلامی را در مقابل بازارهای مشترک موجود جهان حفظ کرد".

ماهها قبل آقای عسکر اولادی وزیر بازرگانی نیز در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی نقطه نظرهای خود را در زمینه بازار مشترک اسلامی بدینگونه بیان کرده بود: "دولت در حال حاضر به این اعتقاد رسیده است که جهت عدم وابستگی به بیگانگان چه در مورد انقلاب اسلامی خودمان و چه ملت‌های مسلمان جهان باید به طرف ایجاد بازار مشترک اسلامی رفت ۵۰۰ کوشش ما اینست که کالا‌های خود را از کشورهای مسلمان تأمین کنیم و برای اینکه بتوانیم بازار اسلامی را تأسیس کنیم لازم است روابط اقتصادی خود را با کشورهای برادر توسعه دهیم و کالا‌های مورد نیاز خود را مستقیماً از این کشورها تأمین کنیم. چنان که در این مورد با سه کشور اسلامی سوریه، ترکیه و پاکستان قرار دادهائی امضا کردیم".

از اظهارات یاد شده چنین بر می آید که هدف از تشکیل بازار مشترک اسلامی حرکت در راستای کسب استقلال اقتصادی و نیل به خودکفائی کشورها و دیگر کشورهای مسلمان نشین است. اما پرسش در این جاست که آیا بازار مشترک اسلامی میتواند به مثابه برنامه استراتژیک کشور ما برای کسب استقلال اقتصادی تلقی شود؟ آیا مناسبات اقتصادی - تجاری با کشورهای مسلمان همجوار یا کشورهای مسلمان منطقه میتواند به عنوان سمت گیری اساسی مناسبات اقتصادی خارجی جمهوری اسلامی ایران به خود کفایی اقتصادی نسبی کشور ما منجر شود؟

در جهان امروز در نتیجه بین المللی شدن بیش از پیش مناسبات اقتصادی، "انترناسیون" یا "هم پیوندی" اقتصادی میان یک سلسله از کشورهای دارای نظام اجتماعی - اقتصادی همگون به نحو روز افزونی اهمیت پیدا کرده است روند "هم پیوندی" اقتصادی، هم میان کشورهای سرمایه داری رشد یافته یا یکدیگر و هم میان کشورهای سوسیالیستی یا یکدیگر جریسان دارد. دو پیش شرط اساسی روند "هم پیوندی" عبارتست از یگانگی سیستم اجتماعی - اقتصادی کشورهای شرکت کننده و قابلیت و ظرفیت کشورهای "هم پیوند" به برآوردن نیازها و تکمیل اقتصاد یکدیگر. در روند "هم پیوندی" میان کشورهای رشد یافته همواره

این دو پیش شرط وجود ندارد ولی دوگرایش بچشم میخورد: یکی مترقی و ضد امپریالیستی و دیگری ارتجاعی و در خدمت منافع توسعه طلبانه نواستعمار.

اساس "هم پیوندی" در جهان سرمایه داری، تسلط بلا منازع سیستم سرمایه داری انحصاری - دولتی بر اقتصاد کشورهای سرمایه داری رشد یافته است. در واقع سرمایه های بزرگ انحصاری یا انحصاری - دولتی برای این که بتوانند با انحصارها یا یک گروه از انحصارهای رقیب مقابله کنند و در مبارزه با سیستم جهانی سوسیالیستی و جنبش‌هایی بخش ملی مواضع خود را حفظ نمایند، تن به "هم پیوندی" اقتصادی می دهند که در عین وحدت، تضاد میان کشورهای "هم پیوند" و اساساً تضادهای میان قدرت‌های امپریالیستی را تشدید میکند.

اساس "هم پیوندی" سوسیالیستی مالکیت عمومی بر ابزارهای تولید و برنامه ریزی اقتصادی متمرکز است. "هم پیوندی" میان کشورهای سوسیالیستی سرشتی مغایر با "هم پیوندی" سرمایه داری دارد. هم سطح شدن تدریجی رشد اقتصادی یکی از نتایج عمده و در عین حال برجسته ترین شاخص "هم پیوندی" اقتصادی سوسیالیستی است.

"هم پیوندی" اقتصادی میان کشورهای رشد یافته معمولاً از تعالی این کشورها - توسعه اقتصاد ملی خود و دفاع از منافع ملی در برابر توسعه طلبی نواستعماری امپریالیسم سرچشمه میگردد. اما برای درک سرشت "هم پیوندی" میان کشورهای رشد یافته باید مسئله را در چارچوب مناسبات این کشورها با کشورهای امپریالیستی بررسی کرد. ساد طوحوانه خواهد بود اگر "هم پیوندی" اقتصادی منطقه ای میان کشورهای رشد یافته را تنها یک گرایش مترقی و ضد امپریالیستی تلقی کنیم. در واقع در این عرصه دوگرایش متضاد، مترقی و ارتجاعی وجود دارد.

اینک بر اساس آنچه در مورد مفهوم عام "هم پیوندی" اقتصادی گفته شد، می توان در باره بازار مشترک اسلامی یا به عبارت دیگر "هم پیوندی" اقتصادی میان کشورهای اسلامی ارزیابی دقیق تری به عمل آورد.

نخستین مسئله داشتن تحلیلی مشخص از وضع کشورهای شرکت کننده در بازار مشترک اسلامی است. از آنچه تا کنون مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران درباره بازار مشترک اسلامی اظهار داشته اند، چنین بر می آید که شرکت کنندگان در بازار مشترک به نظر آنها بجز ایران عبارتند از کشورهای همجوار، پاکستان و ترکیه از یک سو و کشورهای مترقی عرب، عمدتاً کشورهای عضو "جبهه پایداری"، از سوی دیگر.

برای نمونه، آقای دکتر ولایتی وزیر امور خارجه در مورد بازار مشترک اسلامی میگوید: " . . .

روابط اقتصادی میان ما و سوریه و ترکیه و پاکستان و انشاء الله در آینده با کشورهای چون الجزایر و لیبی در حقیقت میتواند هسته اولیه و عملی تشکیل این بازار مشترک باشد".

در این چارچوب دو پیش شرط "هم پیوندی" اقتصادی، یعنی تشابه و یگانگی سیستم اجتماعی - اقتصادی و سمت گیری سیاسی کشورهای عضو و قابلیت و ظرفیت کشورهای "هم پیوند" به تکمیل اقتصاد یکدیگر بطور کلی وجود ندارد. ایران انقلابی، که به برکت انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ استقلال سیاسی خود را باز یافته و در نبردی سرنوشت ساز با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا برای کسب استقلال اقتصادی و تحکیم استقلال سیاسی بدست آمده، درگیر است، نمی تواند با ترکیه و پاکستان وابسته به امپریالیسم هر قدر هم که ادعای اسلامی بودن داشته باشند، "هم پیوند" باشد. فزون بر این، کشورهای مترقی عربی نیز که سالهاست با امپریالیسم جهانی همکاری کنند و توانسته اند طی این سالها ببرکت نزدیکی با اردوگاه جهانی ضد امپریالیستی، دگرگونیهای مترقیانه در ساختار اجتماعی - اقتصادی کشورهای خود بوجود بیاورند و تا حدودی از وابستگی خود به بازار جهانی سرمایه داری بکاهد، نمی خواهند و نمی توانند از طریق واسطه‌هایی چون پاکستان و ترکیه، مجدداً در دام وابستگی فزاینده به انحصارهای امپریالیستی گرفتار آیند.

ساختار اقتصادی - اجتماعی ترکیه و پاکستان بگونه ایست که این کشورها را بشدت وابسته به بازار جهانی سرمایه داری کرده است. مثلاً ۴۶ درصد بازرگانی خارجی ترکیه با کشورهای "جامعه اقتصادی اروپا" است. ترکیه مبالغ هنگفتی پول به "صندوق بین المللی پول" که یکی از اتحادهای انحصاری بین المللی است و در آن سرمایه‌های آمریکائی نقش عمده را به عهده دارند، مقروض است. مهمترین شرکای بازرگانی خارجی پاکستان نیز، ایالات متحده آمریکا، "جامعه اقتصادی اروپا" و ژاپن هستند که اعطای اعتبار به پاکستان را مشروط به فروش کالا‌های خود به این کشورها کرده اند. "صندوق بین المللی پول" که در آن "دوستان" آمریکائی ضیاء الحق دیکتاتور

پاکستان تسلط دارند، قرار است در سه سال آینده ۱/۲ میلیارد دلار اعتبار در اختیار رژیم پاکستان بگذارد. این اعتبار بزرگترین مبلغی است که تا کنون "صندوق بین المللی پول" در اختیار یک کشور رشد یافته قرار داده است. "هم پیوندی" اقتصادی با این کشورها که تا مغز استخوان به بازار جهانی سرمایه داری وابسته هستند، نمی تواند بفتح مبارزه در راه استقلال اقتصادی کشورها باشد. این "هم پیوندی" عامل رسوخ بیش از پیش انحصارهای امپریالیستی به اقتصاد ما و انتقال چند جانبه بقیه در صفحه ۱۴

بازار مشترک اسلامی

سوگنامه‌ای برای مرگ ورزش بانوان در ایران

کرد که توجیه طل حذف نیم از جمعیت کشور از دنیای ورزش وظیفه‌ایست فوق‌العاده دشوار. ورزش نوع خاصی از فعالیت انسانی است، که پسران گسترش و پیش برد آن، سازمان دادن مسابقات ورزشی اهمیت درجه اول را دارا می‌باشد. بطوریکه اگر نقش مثبت این مسابقات و پیروزه بازتاب آنها در تلویزیون نبود، علاقه به ورزش نمیتوانست تا این حد در وسیعترین قشرهای مردم، در کشورهای پیشرفته از نظر ورزش رسوخ کند. در کشورهای سوسیالیستی که به تصدیق دوست و دشمن در امر ورزش پسه پیشرفتهای حیرت انگیزی دست یافته اند، نه تنها در تمام زمینه‌ها بطور منظم مسابقات ورزشی ملی و بین‌المللی سازمان داده میشود، بلکه بطور جداگانه برای کارگران، روستاییان، دانشجو جوان، نوجوانان و حتی کودکان نیز مسابقات ورزشی سراسری زیر نام اسپارترتاکید کارگری، اونیورسیاد، اسپارترتاکید کودکان و غیره برپا میگردد روشن است که در زمینه ورزش هیچگونه تفاوتی میان زن و مرد و دختر و پسر نیست و گرچه زنان و مردان و دختران و پسران بطور عمده در مسابقات جداگانه شرکت میکنند و مسابقات با شرکت تیمهای مختلط از زن و مرد نظیر تنیس و ونفرتی و سرخوژد هنری روی یخ (پاتیناژ) و غیره زیاد نیست، ولی برخورد کلی به ورزش یعنی سیاست ورزشی و ولتها برای زنان و مردان یکسان است و تمام امکانات با حقوق برابر در اختیار همه آنها قرار میگیرد. مسابقات هم معمولاً در یک روز و در یک ورزشگاه با شرکت زنان و مردان انجام میشود. این را هم نباید فراموش کرد که مریمان بسیاری از رشته های ورزشی زنانه، مردان هستند و مریمی برخی رشته های مردانه نظیر پاتیناژ، زنان. چرا که بزه ناکر های هنری را بهتر از مردان درک میکنند.

اما پابرداشت ویژه‌ای که اینک در صیمن ما پیرانو مسئله عصمت و حجاب وجود دارد و حتی "سک سانت عقب رفتن" روسری را گشای ناپشتودنی بشمار میاورند و مجاز نمیدانند و حضور عناصر خود سری در کوچه و خیابان که حتی مزاحم زن و شوهرهایی میشوند که با رعایت تمام موازین مقرر شده حرکت میکنند ولی فراموش کرده‌اند برای خریدن سیب زمینی سنداژد واج خود را همراه ببرند، دیگر صحبت از ورزش بانوان، انجام مسابقات ورزشی برای زنان و پختر آنها از "صدا و سیما" نمیتواند مطرح باشد. بی جهت نیست که اکیب اعزای صدا و سیما به هند وستان در تمام فیامهایی که از مسابقات آسیائی در دهلی نو تهیه کرده بطور کمال و تمام زنان را نادیده گرفته است. این آشکارا سیاست ورزشی جمهوری اسلامی ایران را بازگو میکنند که زنان در آن جانی ندارند. ممکن است کسانی مدعی شوند که حق ورزش از زنان ایران سلب نگردیده بلکه از آنان خواسته شده که دور از انظار مردان ورزش کنند. این ادعا البته باطل است.

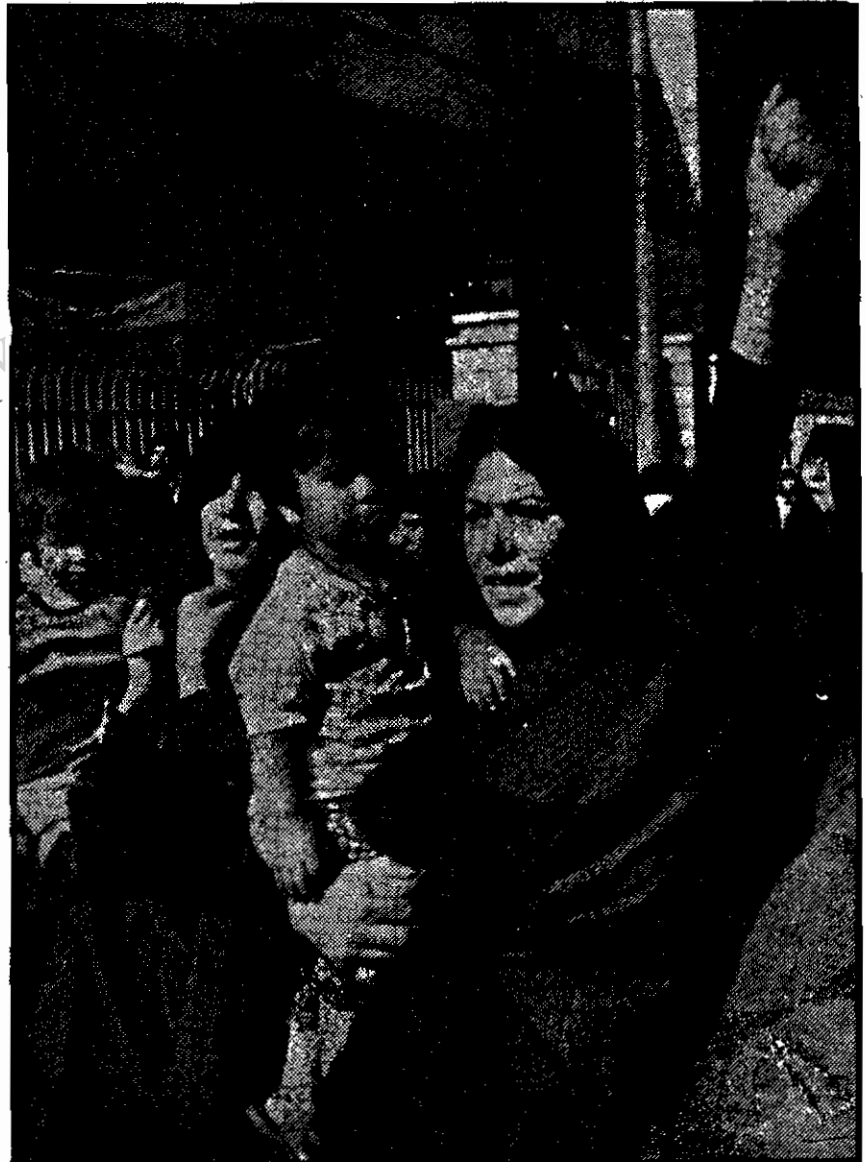
اوست، ترجیح میدهد مطالقی کنگ و نامفهوم را به جای برنامه عطفی و واقعی ارائه دهد که نه سیخ بسوزد و نه کیاب. اگر کارها پیش نرفت چه باک! در این "برنامه ریزی" هم مانند بسیاری زمینه‌های دیگر، بازنده اصلی زنان ایرانی هستند. در ماده ۱۰ این برنامه گفته میشود:

"کوشش در جهت تبلیغ برای رساندن آنچه جمهوری اسلامی از ورزش میطلبد و خصوصاً در این زمینه تشریح ورزش بانوان پیروزه جهت خارج از کشور، با همکاری کمیته ملی المپیک، دفتر روابط بین‌المللی." از این ماده برنامه چنین فهمیده میشود که در خارج از کشور ظاهراً مسئله ورزش در کشور ما درک نمیشود و بخصوص شیبیت زنان برایشان تعجب انگیز و نامفهوم است. به این جهت سازمان تربیت بدنی لازم دیده که توجیه این مطلب را بعنوان یکی از وظایف اصلی خود در نظر بگیرد. و باید تصدیق

بلاخره پس از مدت‌ها تاخیر، سازمان تربیت بدنی "اهداف و خط مشی کامل" حوزه معاونت ورزشی خود را در ده ماده در اختیار روزنامه‌ها گذاشت و سیاست ورزشی جمهوری اسلامی ایران را بصورت فشرده بیان کرد.

با مطالعه این برنامه، البته هیچکس نمیتواند بدستی بفهمد که تهیه کنندگان آن چه میخواهند بکنند زیرا خود آنان هم بدستی نمیدانند چه باید کرد. قاعدتاً باید متوقع بود که حوزه معاونت ورزشی تمام کوشش خود را متوجه برنامه ریزی مشخص فنی کند و امر ایدئولوژیکی را به ارگانهای بالاتر از خود نظیر دولت واگذار نماید. اما اینطور نیست.

ظاهراً چون هر مقام مسئولی برای هر حرفی که میزند باید در برابر چند نهاد مسئول و غیر مسئول جوابگو باشد و اگر پارا از خطی که سلمان نماها و قشبهها بد ورزش کشید ماند بیرون نهد، عواقب بدی در انتظار



هیچ جنبشی بدون دخالت زن توده‌های نیست!

نامه سرگشاده اعضا و هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور به دولت مردان جمهوری اسلامی ایران

بقیه از صفحه ۱

اجتماعی به یکی از شعارها و خواستههای عمده انقلاب ۲۲ بهمن تبدیل شد.
انعکاس این خواست و نیاز انقلاب و خلق بارها در بیانات امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و دیگر دولتمردان طراز اول کشور انعکاس یافته است. یادآوری اظهاراتی در این زمینه، بیان تعهد و مسئولیتی است که رهبران انقلاب در مورد تأمین حقوق دموکراتیک و قانونی خلق و احزاب و سازمانهای سیاسی، از جمله در مورد دگراند - یشان هوادار سوسیالیسم علمی، در مقابل خلق و تاریخ بعهده گرفته اند.

نمونههایی از این تعهدهای تاریخی عبارتند از: " همه احزاب و گروهها، تا وقتی با کشور اسلامی جنگ ندارند، در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکرده اند، به طور آزادانه عمل می کنند و به طور آزاد دارند حرف های خودشان را می زنند. " (از سخنان امام خمینی در جمع گروهی از علمای آذربایجان، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰)

" فعالیت های سیاسی، در چارچوب قانون اساسی، از آثار شرایط عادی زندگی اجتماعی است. "

(شهید آیت الله بهشتی - روزنامه ها - شهرپور ۱۳۵۹)

" همانطوری که رهبر و امام ما مکرر گفته اند، در حکومت اسلامی احزاب آزادند. هر حزبی اگر عقیده غیر اسلامی هم دارد، آزاد است. اما ما اجازه توطئه گری و فریبکاری نمی دهیم. احزاب و افراد در حدی که عقیده خودشان را صریحاً می گویند و یا منطبق خود، به جنگ منطبق ما می آیند، آنها را می پذیریم. "

(سخنرانی شهید مظهری در دانشکده الهیات ۱۳۵۷/۱۱/۲ - صفحات ۱۴ و ۱۵)

" همه کسانی که وفادار به نظام جمهوری اسلامی هستند، با هر تفکر و اندیشه ای، میتوانند آزادانه زندگی کنند و کسی حق تعرض به آنان را ندارد. " (از نطق انتخاباتی ریاست جمهوری اطلاعات ۷ مهر ۱۳۶۰)

" ... همانطوری که قبلاً هم گفته ام، اگر در چارچوب قانون اساسی گروهها حاضر باشند فعالیت سیاسی کنند و قانون را مراعات کنند، مجلس از فعالیت آنها حمایت خواهد کرد و باید اجازه بدی که قانونی باشند و فعالیت کنند. ... مشروط به مراعات قانون، مجلس تحقیقات حمایت از کارشان خواهد کرد. ... "

(از مصاحبه مطبوعاتی رئیس مجلس در تاریخ ۳ شهریور ۵۹)

" بر اساس قانون اساسی ما، اگر گروهها و احزاب به این (قانون اساسی) احترام بگذارند و توطئه و اقدام مسلحانه انجام ندهند، در کشور ما آزاد هستند و این آزادی به حدی است که حتی

میتوانند از تلویزیون دولت هم استفاده بکنند. " (سید میرحسین موسوی - نقل از اطلاعات - آبان ۱۳۶۰)

" درباره گروه های غیر محارب، ببینید، یک وقت افرادی در جامعه ما هستند حتی مکتب ما را قبول ندارند، ولی قانون اساسی می گوید و از اول هم امام اعلام کرده و نظام جمهوری اسلامی هم بر این پایه گذاری شده، که آزادی های فردی و گروهی، تا حدی که توطئه نباشد، تأمین خواهند شد و ما می دانیم که حزب توده و اکثریت یا گروه های دیگر، اینها اگر محاربه نکنند، نظام ما می گوید که آزادند و می توانند فعالیت های سیاسی داشته باشند، حتی میتوانند برای خودشان تبلیغات کنند. ... در رابطه با حزب توده و اکثریت هم الان اینطور است، آنها اعلام کردند ما با نظام جمهوری اسلامی الان محاربه نداریم و با توجه به اساس پذیرفتن نظام جمهوری اسلامی ما فعالیت های سیاسی هم می کنیم. تا این اندازه هم ما با آنها برخورد می کنیم. اکثریت الان دارد اسلحه هایش را تحویل می دهد و کارهای سیاسی هم انجام می دهند. ... "

(دادستان کل انقلاب اسلامی - حجت الاسلام موسوی شیرازی - پاسدار انقلاب - شماره آبان ۱۳۶۰)

" ما طبق قانون اساسی و هم به شیوه های که اسلام دارد، به آنها (گروه هایی که در چارچوب قانون اساسی فعالیت می کنند) اجازه می دهیم حرفشان را بزنند. "

(شهید محمد علی رجائی - ۸ اردیبهشت ۶۰)
" فعالیت های مثبت و سازنده سیاسی نه تنها ممنوع نیست، بلکه لازم است. " (شهید دکتر جواد باهنر - ۴ اسفند ۱۳۵۹)

برپایه این تعهدات تاریخی است، که حزب توده ایران، همان طور که رفیق نورالدین کیانسوری، دبیر اول کمیته مرکزی در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما، مورخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۱ / ۱۸ مه ۸۲ / می نویسد، فعالیت علنی خود را آغاز کرد. شما اطلاع دارید که نقش برجسته حزب توده ایران و رفقای کمیته مرکزی آن و به ویژه رفیق کیانسوری در کشف و افشای توطئه های متعدد ضد انقلاب و دشمنان خارجی و داخلی انقلاب، بارها در سرنوشت انقلاب نقش تعیین کننده داشته است.

شما اطلاع دارید، که مبارزه خستگی ناپذیر حزب ما، رفقای رهبری حزب و به ویژه رفیق کیانسوری در تصحیح مواضع نیروهای صادق چه وزن و چه نقش تاریخی ای ایفا و خدمات برجسته به حفظ و تعمیق انقلاب کرده است.

شما اطلاع دارید، که افشای عناصر مفسد و نفوذی در زون صفوف رهبری جمهوری اسلامی و انقلاب، عناصر خائن از قماش بنی صدرها، قطب زاده ها، شریعت داری ها و ده ها و ده ها

عناصر دیگر، یکی دیگر از خدمات حزب توده ایران به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است و ارزیابی ها و تحلیل های حزب توده ایران در موارد پیشماری در شناخت اوضاع انقلاب و عناصر دشمن کمک جدی به فعالیت انقلابی مدافعان انقلاب در تمام سطح کرده است. افشای بنی - صدر، به عنوان یک عنصر اتفاقی و ضد انقلابی در روزهای توسط حزب ما انجام شده، که او به عنوان کاندیدای رئیس جمهوری مورد تأیید نیروهای صادق، پیرو خط امام قرار گرفته بود و فقط به این اعتبار آرای میلیونی خلق را به دست آورد! درست در این چنین روزهای حزب ما اعلام کرد، که مسلمانان مبارز پرودی این اشتباه خود را تصحیح خواهند کرد.

شما اطلاع دارید، که حزب توده ایران و در راس آن رفیق نورالدین کیانسوری، بارها و بارها اعلام کرده است، که " اگر از روی نیش ما هم بگذرند، ما آنها را ضد امپریالیستی، ضد سرمایه داری، ضد سلطنتی و خلقی و آزادی خواهانه خط امام پشتیبانی خواهیم کرد. "

درست به خاطر این نقش برجسته حزب توده ایران و رهبری هشیار و آبدیده آن است، که ارتجاع جهانی و ضد انقلاب خارجی و داخلی کمربند سرکوبی آن بسته اند، همانطور که در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به شما هشت ماه پیش در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۱ خاطر نشان شده است. در این نامه با اشاره به این خدمات حزب توده ایران به انقلاب است که از جمله می خوانیم:

" حزب توده ایران در این دوران تمام توان و نیروی خود را در جهت تثبیت و تحکیم و گسترش دست آورد های گرانبهای انقلاب شکوهمند مان به کار انداخت و هیچ توهین، افترا، کار - شکنی، مزاحمت و دشمنی آشکار نتوانست ما را از راهی که در پیش گرفته ایم و بدان صادقانه معتقد هستیم، باز دارد و به کمترین درجه ای منحرف سازد. درست به همین علت حزب توده ایران از همان آغاز مورد کین تیزانترین و آشتی ناپذیرترین خصومت همه دشمنان انقلاب قرار گرفت. درست به همین علت مسئله ناتوان ساختن و در هم شکستن و نابودی حزب توده ایران به یکی از عمدترین رهنمود های امپریالیسم آمریکا به دستیاران خود و به یکی از عمده ترین مواد برنامه عمل روزانه همه دارو دسته های ضد انقلابی ساواکی، سلطنت طلب، لیبرال و توطئه گر مبدل گردید. "

اتهامات واهی وارده به رهبری حزب توده ایران، و صلۀ ناجوری است بر پرچم انقلاب

شما دولتمردان درجه اول جمهوری اسلامی ایران و پیروان امام خمینی بخوبی اطلاع دارید، بقیه در صفحه ۹

نامه سرگشاده اعضا و هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور

بقیه از صفحه ۸

که اتهامات دروغین و واهی به رفقای رهبری حزب توده ایران، هیچگونه پایه و اساسی ندارد و همانطور که در اطلاعیه کمیته مرکزی حزب ما مورخ ۱۸ بهمن ۱۳۶۱ درباره بازداشت های اخیر تصریح شده است، این اتهامات و دشمنان سوسیالیسم علمی برای همه نیروهای استقلال طلب، آزادی خواه و مبارزان پیشرفت اجتماعی در همه ادوار به وفور دیده می شود.

شما دولت مردان درجه اول جمهوری اسلامی ایران بخوبی اطلاع دارید که روزیها، سیامک ها و دها و دها و دها توده های دیگر را رژیم مغفور و معدوم پهلوی با همین "اتهام" به چوبه تیرباران بست. شما بخوبی اطلاع دارید که حکمت جوها و تیزابی ها و دها و دها تودیک راستین را رژیم مغفور پهلوی با همین "جرم" به اعدام و زندانهای ابد و طولانی محکوم کرد و آن را در زیر شکنجه جسمی و روحی به قتل رساند. بخشی از شما باید این خاطرات را از دوران زندان خود به خاطر داشته باشید!

این اتهامات امپریالیسم و ساواک ساخته شایسته یک نظام انقلابی، که می خواهد عدالت اجتماعی به سود خلق را برجا سازد، نیست! این اتهامات امپریالیسم و ساواک ساخته شایسته یک نظام انقلابی، که اعلام و تعهد کرده است، برای دسترسی به اهداف به حق خود از شیوه های حق استفاده کند، نیست!

این اتهامات امپریالیسم و ساواک ساخته شایسته یک نظام انقلابی نیست، که اعلام و تعهد کرده است، که حقوق دگر اندیشان غیرمحابر و حقوق آنها را که به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رای مثبت داده اند و آنرا حفاظت کرده اند، محترم خواهد شمرد!

این اتهامات امپریالیسم و ساواک ساخته شایسته یک نظام انقلابی نیست، که اعلام و تعهد کرده است حقوق آنها را که با اهداف ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب کوخ نشینان علیه کاخ نشینان بیعت کرده اند، حراست خواهد کرد.

طرح اتهامات واهی و بی اساس "جاسوسی" و "جعل اسناد" درست دلیل بازاری است بر این واقعیت، که حزب توده ایران در طول چهار سال فعالیت علنی و قانونی پس از پیروزی انقلاب کوچکترین قدمی خلاف مصالح انقلاب و علیه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برنداشته است و همانطور که در نامه سرگشاده فوق الذکر کمیته مرکزی به شما نیز آمده است از جمله در مورد "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران تصریح می کرد، که "..... این همان روزنامه ای است که حتی کین نوزاده ترین بدخواهان حزب ما نمی توانند در آن حتی یک جمله به زیان انقلاب پیدا کنند....."

علت به کار گرفتن این اتهامات واهی و ناجوانمردانه علیه رهبری حزب توده ایران اتهاماتی که حتی نو و شمره خلاقیت فکر و عمل وارد کنندگان آن نیز نیست و تکرار همان اتهامات کهنه و ردیلانه ساواک و سیا به تمام

نیروهای صادق ضد امپریالیست و ضد ارتجاعی جهان و ایران است، در عین حال که علامت فقر معنوی وارد کنندگان آن و حقانیت و صداقت حزب توده ایران است، بیان کننده خطر بسیار جدی تری برای سلامت کل انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما، به رهبری امام خمینی است.

شما اطلاع دارید که نیروهای راستگرا، پس از تثبیت مواضع خود در درون حاکمیت انقلابی پیرو خط امام، که بدون سوء استفاده از تزلزل و دودلی نیروهای راستین انقلابی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران برای تخفیف عدالت اجتماعی ممکن نمی بود، با یورش همه جانبه ای از ایجاد زمینه های قانونی تخفیرات بنیادی به نفع زحمتکشان و مستضعفان جلوگیری کردند و می کنند. قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب را که مورد تأیید رهبران برجسته مذهبی آیت الله العظمی منتظری، شهید بهشتی بود، به "دالان بهشت شورای نگهبان" (آیت الله مشکینی) فرستادند و حتی نتیجه مثله شده آن را نیز، که "قانون تقسیم و احیاء و واگذاری اراضی مزروعی" بود را هم به دلایلی "شرعی" و غیر شرعی فلج ساختند؛ قانون بازرگانی خارجی دولتی را، که بر مبنای اصل ۴۴ قانون اساسی تنظیم شده بود همه شهادت تمام دست اندرکاران بدون اجرای آن مبارزه با تروریست های اقتصادی ممکن نیست، به خاک نشاندند، و این شیوه مسخ انقلاب را به تهیه پیش نویس های قانون نیز توسعه دادند. در این مورد باید از جمله ویژه از پیش نویس ضد کارگری قانون کار صحبت کرد، که با واکنش و مقاومت جدی طبقه کارگر روبه رو شده است.

راستگرایان، اکنون برای تثبیت نهائی مواضع خود احتیاج مبرم به جوی دارند، که بتوانند بسا کمک آن با تصویب قوانین به نفع خود پایه های متزلزل شده کلان سرمایه داری و بزرگ مالکسی را دوباره محکم سازند. آیا آقایان توکلی و دیگران می توانستند، حتی در شرایط چند هفته گذشته و با وجود نقض قانون فعالیت سیاسی احزاب و گروهها و سندیناها و شوراها و انجمن های اسلا و بی اثر ماندن اعلامیه ده ماهه دادستان انقلاب در مورد فعالیت آزاد سیاسی نیروهای غیرمحابر دگر اندیش نیز، و علیرغم مقاومت وسیع و اصولی کارگران، پیش نویس ضد کارگری قانون کار خود را به تصویب برسانند؟

پایه صافانه اذعان کرده که خیر! راستگرایان درست برای تصویب همین قوانین ضد کارگری، برای بخاک سپردن حرف امام خمینی، که "پینه دست دهقانان" را سند مالکیت زمین اعلام کرده اند، برای جلوگیری از صادره "اموال" فراریان ضد انقلابی و ایجاد شرایط بازگشت آنان به کشور و بازخره درست برای مسخ و سرکوب نهائی انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران است، که راستگرایان نیاز به چنین جوی دارند، تا صدای تمام آزادخواهان خفه باشد، کارگران نتوانند از حق خود دفاع کنند و علیه پیش نویس قانون کار ضد کارگری اعتراض نمایند و دهقانان نتوانند حتی را که انقلاب به آنها و ده

داده بود طلب کنند و مجبور شوند به پایمال شدن حقتشان تن بدهند و مسلمانان مبارز نتوانند بسند به دست غارتگران و تروریستهای اقتصادی بزنند، نتوانند سد راه دزدی، ارتشا و سودورزی جنا. یتکاران بشوند.

این تجربه را خلقهای میهن ما بارها و بارها کرده اند.

این برای توده های ما افتخار است، که همیشه سپر خلق و صف پیشتاز دفاع از منافع خلق بوده اند و هستند. این افتخار توده های ما است، که رژیم شاه معدوم مجبور بود برای دستبرد زدن به قانون اساسی در سال ۲۹-۱۳۲۸ در ابتدا "حزب توده ایران" را "غیر قانونی" اعلام کند، برای بازگرداندن نفت به امپریالیست ها و ایجاد تسلط آنان بر میهن ما افسران توده های را قربانی کند، افسرانی که پس از ۲۵ سال زندان شاه، دوباره اکنون قسرانی تثبیت پایه های متزلزل کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی می شوند و به زندان افکنده شدند.

ما توده های ما این شیخون ناجوانمردانه و عهد شکنانه را به حزب خود و بازداشت رهبران و مسئولین آن را، که فقط به علت اعتماد به تعهدات رهبری انقلاب و دولتزدان جمهوری اسلامی ایران در مورد فعالیت آزاد سیاسی احزاب غیر محارب و از جمله تأیید و تأکید مکرر بر اعلامیه ده ماهه دادستانی انقلاب، میسر شده است، به حساب مسلمانان مبارز پیرو راستین خط ضد امپریالیستی و خلقی امام نمی گذاریم.

چهره آنهاست که با این اقدام ناجوانمردانه و عهد شکنانه کوشش می کنند راه ایجاد جبهه متحد خلق را، به عنوان تنها تضمین پیروزی انقلاب ناهموار و مسدود سازند، دریا را زود در پیشگاه تاریخ و خلق افشا خواهد شد.

درس تاریخ می آموزد و هشدار می دهد!

حقوق و آزادی های دیمکراتیک تجزیه ناپذیرند! سرکوبی حزب توده ایران، سرکوبی تمام نیروهای آزادی دوست و عدالتخواه میهن ما را، چه مذهبی و چه غیرمذهبی باید نیک خواهد داشت.

تصور دریافت کمک از مدافعان کلان سرب مایه داری و بزرگ مالکی برای تحقق خواسته های ضد امپریالیستی و خلقی، تصوری غیر واقع بینانه و غیر مسئولانه است!

ما از شما می طلبیم، با احساس مسئولیت در مقابل انقلاب، خلق و تاریخ از افتادن در این دره هلاکتبار دشمن کنده حذر کنید. نگذارید امید میلیونها زحمتکش و مستضعف ایثارگر به هدر رود! تا دیر نشده است، با گرفتن کمک از خلق ایثارگر و تجهیز نیروهای زحمتکش و مستضعف و وفاداری به تعهد های داده شده، با رفع تضییق در فعالیت قانونی و علنی و سیاسی برای حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و آزاد ساختن فسوری رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و دیگر مسئولان حزبی، از جمله افسران

بقیه در صفحه ۴

دگرگونی ریشه‌ای نظام توزیع از ضروریات مبرم انقلاب است

اکنون که در آستانه چهارمین سال پیروزی انقلاب هستیم باید اذعان کرد که متأسفانه هنوز یکی از مبرمترین ضروریات انقلاب، یعنی دگرگونی ریشه‌ای در نظام توزیع در جامعه انقلابی؛ بوجود نیامده است.

با پیروزی انقلاب بخشهای زیادی از واحدهای بزرگ اقتصادی متعلق به درباریان سابق و سرمایه داران وابسته، مانند صنایع بزرگ، بانکداری، بیمه، حمل و نقل و غیره از چنگ بخش خصوصی بدر آمد. ولی سرمایه بزرگ تجاری صدمه ای ندید، بلکه با فرار وابستگان دربار و امپریالیسم میدان بازاری را برای عرض وجود پیدا کرد. بازرگانی داخلی و نظام توزیع به میراث رسیده از رژیم پهلوی کماکان دست نخورده به جای خود باقی مانده است. ناراضگان و نابسامانیها در امر توزیع، گرانی ناشی از گرانفروشی و احتکار، وجود واسطه های متعدد که هر یک به نوبه خود سهمی در بالا بردن قیمتها دارند، نه تنها از بین نرفته بلکه بطور سرسام آوری نیز افزایش یافته است و مشکلات فراوانی را برای زحمتکشان شهر و روستا، کارمندان و اقشار بینابینی به بار آورده و یکی از عوامل ناراضی عمومی تبدیل شده است.

کارگری که مجبور است مزد یک ماه کار خود را بابت خرید چند متر پارچه ساده به منظور تهیه پوشاک برای خود و خانواده اش از کف بدهد، کارمندی که بایستی پیش از نیمی از حقوق خود در ماه را بابت کرایه خانه بپردازد و زحمتکشانی که دیگر استطاعت خریدن میوه را ندارند و حتی نمیتوانند بیش از یکی دو بار در ماه گوشت بخورند، هر روز بیشتر در معرض دستبرد و غارت تروریستهای اقتصادی قرار می گیرند و ناراضیانی در میانشان تشدید می شود.

انحطاس این ناراضیانی عمومی را به سادگی در رفتار بسیاری از شخصیتهای سیاسی متعهد به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می توان دید.

آیتالله ملگونی در نماز جمعه تبریز گفته اند: "۰۰۰ عده ای پس از پیروزی منافحسان به حد بود که تمام دوران طاغوت به اندازه این چند سال نبرده اند. مثلا یک فردی را می شناسم که در عرض چهار ماه حدود ۲۶ میلیون تومان عایدی داشت." (کیهان ۱۱/۸/۴)

این سودهای غارتگرانه بیش از هر بخشی در بازرگانی داخلی حاصل گشته است. اقداماتی که از طرف ستاد بسیج اقتصادی در توزیع چند قلم از مایحتاج ضرور انجام یافته، کافی نبوده و عملاً نتوانسته تاثیر چندانی در سامان بخشیدن به وضع توزیع به وجود آورد. به استثنای مواردی که توزیع کالا توسط این ستاد صورت می گیرد، قیمتهای کالاها ضرور، از برنج مازندران گرفته تا زیره کرمان، از مداد و کاغذ گرفته تا وسایل پوشاک، از آجر گرفته تا آهن و

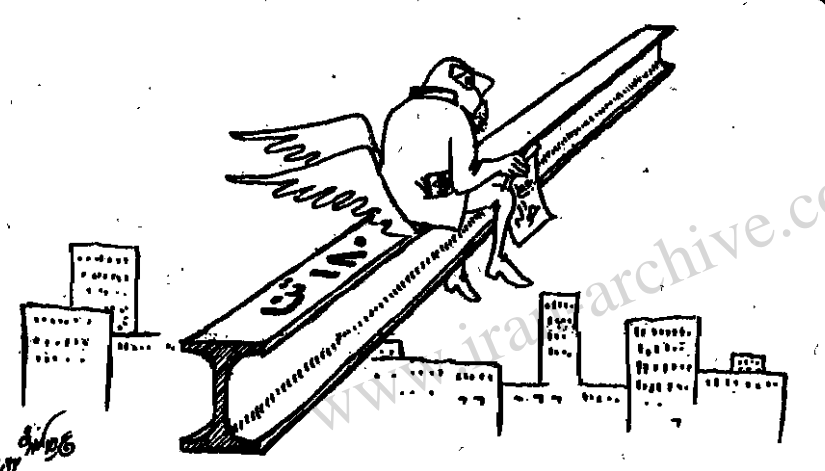
سیمان، برای همه اجناس قیمتها چندین برابر افزایش یافتند.

شبهه های مافیا مانند، همانطور که حزب ما بارها اعلام کرد و با افشاگریهای اخیر دادستانی امر صنفی نیز بر ملا شد، "پاناس" و "قانونا" و یا با زد و بند کالاها را مستقیماً از وزارت بازرگانی و یا از کارخانجات با قیمت بسیار نازل بدست می آورند و با احتکار کردن و ایجاد کمبود مصنوعی آنها را به چندین برابر قیمت خریداری شده در اختیار واسطه ها و خرده فروشان می گذارند. به همین ترتیب کالا دست به دست می گردد تا اینکه بالاخره به قیمت سرسام آور به دست مصرف کنندگان معمولی می رسد.

یک چنین لحام گسیختگی در امر توزیع سبب شده که بخش توزیع به یکی از سودآورترین

واضح است که سرمایه داران با این "راه حلشان" سعی دارند شخصیتهای سیاسی متعهد به انقلاب و پیرو خط امام و مردم انقلاب ایران را دنبال نخد سیاه بفرستند تا بتوانند عرمه را از وجود رقیبان، هر چند کوچک خالی کنند و سهم آنان را نیز صاحب شوند.

آقای وزیر بازرگانی اعلام می کنند که "یکی از مهمترین اهداف این وزارتخانه شکل دادن به تعاونیها است" (کیهان ۱۱/۱/۳۰) منظور ایشان البته اتحادیه های سرمایه داران است که مرکب از عده معدودی سرمایه دار می باشد و یا اینکه عده معدودی سرمایه دار کلان بعنوان سهامداران عده آنها کنترل می نمایند و بدین طریق با سوء استفاده کردن از نام تعاونی، کلاه شرعی و قانونی بر سر زحمتکشان و مصرف کنندگان می گذارند. نقش



روزنامه "کیهان"، ۳۱ بهمن ۶۱

بخشهای اقتصاد سرمایه داری ایران ارتقا یابد و بتواند اکثر "سرمایه های سرگردان" را به خود جلب کند.

علل عدم موفقیت در ایجاد یک نظام سالم توزیع را، بایستی از یک طرف در سوء استفاده مخالفتها و کار شکنی های مستقیم و غیر مستقیم ضد انقلاب، سرمایه داران و تجار کلسان و نمایندگان آنان در درون و بیرون دولت دانست. آنها، که به قول دادستان دادگاه امر صنفی به آزاد بودن داد و ستد معتقد هستند، مانع ایجاد یک شناخت صحیح از راه خلاصی از بن بست فعلی توزیع در بین مسئولین سیاسی معتقد به انقلاب هستند.

راستگرایان و نمایندگان سرمایه داری و تجار بزرگ توانسته اند با استفاده از شیوه های شانناژ و اهرمهای گوناگون نیروهای طرفدار انقلاب را در دستگاههای دولتی منفعلسنگاه دارند و قاطعیت لازم را از آنان سلب کنند. "راه حل اسلامی" که نمایندگان سرمایه داری و تجار بزرگ ارائه می دهند، "قطبش دست" واسطه های کوچک و میان حال "اضافی" است تا آنها بتوانند سهم این واسطه ها را نیز به جیب خود بزنند.

این "تعاونیها" تنها در گران شدن آهن (تا ۵ برابر قیمت فروش دولتی) خود این دلیل واضحی برای اثبات ضد مردمی بودن یک چنین سیاستی است.

متأسفانه هنوز لزوم مبارزه قاطع و بی امان بر علیه تسلط راه سرمایه داران و درهم شکستن آن از طرف برخی از شخصیتهای مومن به انقلاب درک نشده است.

آقای وزیر بازرگانی برای جلوگیری از این چپاول تنها پیشنهاد می کند که امر توزیع در اصطلاح "تعاونیهای" کلان سرمایه داران و توسط "اتاق بازرگانی و کمیته امور صنفی" کنترل شود (کیهان ۱۳۱۱/۲/۳۰). ولی آیا واقعا یک چنین پیشنهادی می تواند مساله نابسامانی توزیع و گرانی سرسام آور را به نفع زحمتکشان حل کند؟ اتاق بازرگانی که از زمان رژیم سابق وجود داشته و مردم از نمایندگان سرمایه داران و تجار عده می باشد، چگونه می تواند یک چنین نهادی بر ضد منافع خود و بنفع زحمتکشان عمل نماید؟

در باره کمیته امور صنفی هم متأسفانه باید گفت که آنخور که از سخنان خاموشی، سرپرست این بقیه در صفحه ۱۵

توزیع

گسترش سیستم آموزش حزبی در جمهوری سوسیالیستی ویتنام



رفیق لمدوان، دبیرکل حزب کمونیست ویتنام

زیر نظر کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام میباشد. با خطوط اصلی سیاستهای حزب آشنا میشوند. وظیفه کمونیستها برای انتقال جهان بینی علمی و نظرات انقلابی حزب به درون توده های خلق در جنوب ویتنام، یعنی جایی که ایدئولوژی بورژوازی در بین مردم هنوز از نفوذ قابل ملاحظه ای برخوردار است، بادشواریهای زیادی همراه میباشد. کمونیستها ویتنام این امر خطیر را با متانت و حوصله انقلابی به پیش میبرند.

لنینیسم از طرف کمونیستها فقط در زندانهای قد رتهای استعماری میتوانست سازماندهی شود. تنها پس از رهایی از یوغ استعمار و خصوصاً پس از تشکیل حکومت خلقی در شمال ویتنام در سال ۱۹۵۴، امکان آموزش منظم مارکسیسم-لنینیسم پدید آمد.

سطح آموزش عمومی اعضای حزب در سالهای اخیر بطور قابل توجهی افزایش یافته است. امروزه ۵/۷ درصد از مجموعه ۱/۷۵ میلیون نفر اعضای حزب دارای مدرک تحصیلات عالی میباشد. ۳۳ درصد اعضای حزب تا کلاس دهم متوسطه و ۴۲ درصد آنها تا کلاس هفتم متوسطه تحصیل نموده اند. از چهارمین کنگره حزب (دسامبر ۱۹۷۶) بیش از ۲۷۵,۰۰۰ عضو جدید که عمدتاً از سازمان جوانان کمونیست هوشی مین انتخاب شده بودند و در سال ۱۹۸۲ مجموعاً ۶۰,۰۰۰ عضو جدید دیگر به حزب پذیرفته شده اند. بدین ترتیب کمیت سیستم آموزش حزبی نیز دگرگون شده است.

مهمترین فرم آموزش سیاسی از طرف حزب کمونیست ویتنام، آموزش حزبی سالانه تعیین شده است که در آن علاوه بر همه اعضای حزب، بخشهایی از زحمتکشان غیرحزبی نیز شرکت میکنند. برنامه سه چینی آموزشی شامل ۱۳ درس از جمله در مورد مسائل پایه ای سیاست حزب کمونیست ویتنام بعد از کنگره پنجم، درباره وضع انقلاب ویتنام، وظایف دوران گذار، اوضاع بین المللی و وظایف خارجی و درباره وظایف کار ایدئولوژیک میباشد. دبیران کمیته های حزبی و رهبران کمیته های خلقی دوره های یک تا سه ماهه مدارس عالی حزبی که

حزب کمونیست ویتنام پس از پنجمین کنگره خود در ماه مارس ۱۹۸۲، فصل تازه ای در فعالیتهای خود در عرصه کار ایدئولوژیک گشود، که هدف از آن تجهیز کردن همه کمونیستها و حتی المقدور تمام خلق به شالوده سوسیالیسم و کمونیسم علمی میباشد.

کمونیستهای ویتنام سعی وافر دارند، که کیفیت آموزش مارکسیسم-لنینیسم را بهبود بخشند، گام به گام جهان بینی انقلابی طبقه کارگر را بدرون توده های خلق منتقل کنند و آنها را قادر سازند که به بطور فعال و خلاق در شکل دادن و اعمال سیاست حزب کمونیست ویتنام شرکت نمایند. بهمین دلیل دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام چندی قبل تصمیم گرفت، که سیستم آموزش حزبی را بازسازی نماید. حزب برادر در ویتنام کوشش خود را متوجه این مسئله نموده است، که کار تربیت تئوریک و سیاسی مدارس حزبی، آموزشگاههای دولتی و مدارس سازمانهای توده ای را هم از نظر محتوی و هم از نظر روش تدریس بطور همه جانبه بهبود بخشد. بهبود کیفیت پژوهشهای علمی و اجتماعی، تکمیل و هماهنگی کار انستیتوی مارکسیسم-لنینیسم، مدارس عالی و سایر نهاد های حزبی هم بد نظر قرار گرفته است.

تاکنون بیش از یک میلیون نفر از اعضای حزب، یک آزمون تئوریک-سیاسی را طبق برنامه های مختلف پشت سر گذاشته اند. این بازده وقتی ارزش واقعی خود را نشان میدهد که در نظر بگیریم، که در سال ۱۹۳۰ وقتی حزب کمونیست ویتنام تاسیس شد، در شرایط مخفی آن دوران، آموزش مارکسیسم

سوگنامه ای برای مرگ ورزش

بقیه از صفحه ۷ بانوان در ایران

قشرهایی که مانند بختک روی انقلاب ما افتاده اند، همراه مسلمان نمایان ریاکار زندگی بسیار تلخی را به مادران و خواهران و همسران و حتی دخترکان خردسال ما تحمیل کرده اند. مطالبی در رادیو میگویند و در نشریات مینویسند که میتواند برای هر مرد ایرانی که به زن بعنوان یک انسان برابر حقوق با مرد مینگرد و به او احترام میگذارد، موجب شرمساری و سرافکنندگی باشد. این طرز تفکر سرافکنندگی برای حذف زنان از زندگی اجتماعی و اگر بتوانند، مانند گذشته نه چندان دور، محبوس کردن نشان در خانه ها.

آری، اینطور که پیداست فعلاً باید ورزش بانوان در جمهوری اسلامی ایران را امری مرده تلقی کرد تا قشرها یک تازه مطلق هستند، این مرده زنده نخواهد شد. ولی تردید نباید داشت که دوران تسلط بهره کشی و فارتگری سرمایه داران بزرگ و زمین داران کلان در کشور ما ایران نیز دیر یا زود پهایان خواهد رسید و قشرگیری هم بنابه افزاری در دست غارتگران اجتماعی بی اثر خواهد گردید.

تفرقه در اوپک بسود امپریالیسم

شده است که بقل آقای تحلیل گر در "خواب زمستانی" فرورفته اند (منظور کلان سرمایه داران و عوامل رژیم گذشته هستند که بعد از انقلاب جرات آفتابی شدن نداشته اند). وی سپس اضافه می کند که "البته حکومت در حال حاضر حرکتهایی در این سمت نموده است، لیکن با مقاومت نیروهایی که مخالف بازگشت عقربه انقلاب به عقب اند روبرو گشته است." لازم بتذکر است که فلکزد وزارتخانه های بازرگانی، کار و سایر نهاد هایی که در قبضه راستگرایان پیرو سرمایه داری است باعث ابراز چنین امیدیهی از سوی محافل امپریالیستی شده است. روزنامه "تایمز مالی" سپس به تهدید ایران پرداخته که اقدامات رادیکال ایران در اوپک بر علیه کشورهای "محافظة کار"، ممکن است در کوتاه مدت پیروزی محسوب شود، لیکن همین اقدامات به کاهش تقاضا و نیز سقوط قیمت نفت در بازار جهانی منجر می شود که در آنصورت ایران اولین قربانی آن خواهد بود.

روزنامه "تایمز مالی"، ارگان سرمایه مالی انحصاری در شماره ۲۸ و انویه طی تحلیلی از جلسه اخیر اوپک، اظهار امیدواری می کند که گسترش اختلافات درون اوپک به تضعیف موقعیت و نهایتاً شکست ایران انقلابی منجر می شود.

تدوام جنگ که ایران را ناگزیر به خرید اسلحه از کشورهای غربی می کند، گسترش مناسبات تجاری از طریق بخش خصوصی که عملاً مخالفت با ملی شدن بازرگانی خارجی است و همچنین رد شدن لایحه اصلاحات ارضی از سوی ششورای نگهبان عوامل بازدارنده پیشرفت انقلاب می باشد. وجود این عوامل باعث شده است که بودجه کشور وابستگی شدیدی به درآمد نفت پیدا کند. این روزنامه پس از ذکر موارد فوق به تجویز نسخه سرمایه داری پرداخته، تلقین می کند که گویا راه برون رفت از این مشکلات آنست که در اوضاع داخلی پایشی چرخش سیاسی بسود کسانی صورت گیرد که توانایی راه اندازی صنایع را دارند (منظور سرمایه داران عزیز هستند!) همچنین آزادی فعالیت برای کسانی خواسته

در هفته ای که گذشت:

مروری بر جشنهای چهارمین سالگرد انقلاب

در هفته ای که گذشت، ایران انقلابی شاهد برگزاری مراسم بزرگداشت آغاز پنجمین سال انقلاب در سرتاسر کشور بود. مردم زحمتکش ایران که با نثار خون خود انقلاب را به پیروزی رساندند و با نثار خون خود از دستاوردهای آن پاسداری می کنند، فرا رسیدن چهارمین سالروز پیروزی انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن را با شرکت وسیع خود در برنامه های "ده فجر" گرامی داشتند. امسال نیز چون سالهای گذشته شعار "مرگ بر آمریکا" شعار اصلی جشنهای سالگرد انقلاب بود. علیرغم کوشش گسترده عناصر و محافل مشکوک که کوشیدند "شوری" و "تودهای" را مطرح کنند تا آمریکا منسی شود، توده های مردم با شرکت یکپارچه خود در راهپیمایی ها و میتینگ ها و مراسم نماز جمعه، بار دیگر فریاد "مرگ بر آمریکا" برآوردند و پرچم آمریکا را به آتش کشیدند. در سخنرانی ها و پیامها نیز بر این نکته که "آمریکا، دشمن اصلی است" تاکید بسیار شد. امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در پیام خود بمناسبت فرا رسیدن چهارمین سالگرد انقلاب ضمن اشاره به توطئه های آمریکا و اذنبش در منطقه، بار دیگر خط ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی را بعنوان خط اصلی انقلاب ترسیم کردند. همچنین حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور و امام جمعه تهران نیز با ذکر گوشه هایی از حرکت های آمریکا و مرتجعین منطقه، قسمتی از خطبه نماز جمعه را به ذکر لزوم مبارزه قاطع با صهیونیسم بنیاد اصلی ترین متحد امپریالیسم اختصاص داد.

در حقیقت بار دیگر این واقعیت بازتاب یافت که خطر آمریکا "جدی است، فوری است و باقی است" و دمی نباید از توطئه های او و اذنباش غافل ماند.

خطر آمریکا جدی است، فوری است، باقی است!

هفته گذشته سعدون حمادی وزیر خارجه پیشین عراق و از سران رژیم فاشیستی صدام، به واشنگتن رفت و از جمله با جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا دیدار و گفتگو کرد. در این ملاقات شولتز به حمادی اطمینان داد که آمریکا از رژیم صدام حمایت می کند و خواهد کرد. همچنین کلود شسون وزیر امور خارجه فرانسه به بغداد رفت و گفتگوهایی درباره کمک نظامی فرانسه به عراق انجام داد. تمامی حرکت های فوق و نظایر آن نشان آن

است که آمریکا و متحدین اروپاییش در مقابله با انقلاب ایران به هیچ وجه "شوخ" ندارند، بلکه خطر جدی، فوری و باقی محاصره ایران توسط آمریکا و متحدینش در منطقه، در پنجمین سال انقلاب، همچنان جمهوری اسلامی ایران را تهدید می کند.

در عین حال تدارکات نظامی و آمادگی برای اقدامات تجاوزکارانه چه مستقیم و چه از طریق رژیم های دست نشانده، مانع از آن نیست که غرب به رویارویی خط ها در درون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران توجه "لازم" را مبذول ندارد.

انعکاس رویارویی خط ها در مطبوعات غربی

در روز ۹ فوریه (۲۰ بهمن) روزنامه "زود دیوچه تسایتونگ" ارگان سوئد و از انحصاری آلمان فدرال در مقاله ای تحت عنوان "خمینی ترور را تخفیف می دهد"، با اظهار شادمانی آشکار از آنچه نویسنده مقاله "تقویت مواضع محافظه کاران ضد کمونیست در ایران" می نامد، می نویسد:

"حتی اگر زود باشد که از لیبرالیزه کردن صحبت کنیم، باید اذعان داشت که اقدامات تثبیت کننده ادامه دارد. سه قانون مهم علیه بازار و سایر اقشار مرفه از سوی شورای نگهبان مغایر با موازین شرع تشخیص داده شد. اصلاحات ارضی، دولتی کردن بازرگانی خارجی و مصادره اموال فراریان."

این وقایع در چارچوب ادامه کشمکش میان دو جناح رژیم که هر دو اسلامی هستند صورت می گیرد: مکتبیون تعبیری انقلابی از دین دارند، طرفدار همکاری با حزب کمونیستی توده، صدور انقلاب، اتحاد با لیبی، یمن جنوبی و بلوک شرق علیه آمریکا هستند. در شرایط کنونی اینها بوضوح در اقلیتند.

جناح دیگر حجتیه است که تعبیری محافظه کارانه از اسلام دارد، غیر وابسته و طرفدار نوعی سیاست همزیستی با آمریکا است. دستگیری رهبران (حزب) توده (ایران)، از جمله صدر حزب کیانری، نشان می دهد که حجتیه های دست بالا را دارند. همچنین پرداخت ۲۶ میلیون دلار به آمریکا بعنوان غرامت محوطه اشغال شده سفارت آمریکایی، نشانه دیگری است.

از دلتهای غربی تنها فرانسه طرفدار بغداد است، دیگران صرف نظر از اینکه از جمهوری اسلامی خوششان می آید یا نه سیاست هشیارانه تری دارند: همه کار می کنند که میانه روها را در تهران تقویت کنند، از هر کاری که ایران بدامن شوروی ها براند خودداری می کند.

درج این مقاله در یکی از بلندگوهای امپریالیسم خبری ۸ روز پس از مقاله ای صورت گرفته است که پیش از دستگیری جمعی از رهبران حزب توده "ایران روزنامه" فرانکفورتر آلمگامینه تسایتونگ "یکی دیگر از روزنامه های بورژوازی آلمان فدرال تحت عنوان "ایران در چنگال یک حکومت دوگانه" منتشر ساخته است. در این مقاله (مورخ ۱۲ بهمن ماه) نویسنده ضمن وانمود ساختن به اینکه فرمان ۸ ماده ای امام جهت تقویت مواضع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان صادر شده است، اینگونه اقدامات را کافی نمی داند و آشکارا "تغییرات واقعی در حاکمیت" را می طلبد.

هشدار که میباید که مطالبات نویسنده مقاله "فرانکفورتر آلمگامینه" جامه عمل بخود ببوشد و رهنمود "زود دیوچه تسایتونگ" به دولتهای غربی مبنی بر این که باید همه کاری بکنند که "حجتیه" در ایران تقویت نشود (رهنمودی که هم اکنون در حال اجرا است) ثمر بخشد؛ چرا که آینده انقلاب، آینده مبارزه خونبار چندین ساله مردم ایران، بسته به این خواهد بود که کدام "خط" در نبرد سرزشت سازی که جریان دارد پیروز شود.

رویارویی خط ها تشدید می شود

نبرد میان گرایشهای مختلف در درون و بیرون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران تنها تشدید نیافته است، بلکه تشدید نیز شده است. در نخستین روزهای سال پنجم انقلاب نیز نبرد در تمامی عرصه ها، از قانون گرفته تا اصلاحات ارضی و بازرگانی خارجی، ادامه یافت. نمایندگان انقلابی و خط امامی مجلس علیرغم مخالفت شورای نگهبان با قوانین بنیادی در نطقهای پیش از دستور همچنان بر ضرورت اجرای اصلاحات ارضی بنیادی و دولتی کردن بازرگانی خراجی تاکید ورزیدند (رجوع کنید به نطق نماینده اراک). همچنین تشکیل جلسات شوراها کارگری که در آن کارگران همچنان بر ضرورت تدوین قانون کار انقلابی تاکید می کنند ادامه دارد. در عرصه نبرد با تروریستهای اقتصادی و رشوه خواران و محتکرین نیز، دادستانی ویژه امور صنفی تهران همچنان فعال است، گو اینکه حامیان "دانه های درشت" نیز وسایلی و مواضع موثری در دست دارند. از جمله روزنامه جمهوری اسلامی که از چند ماه پیش گرایش برآست و به سمت کم رنگ شدن مقالات مربوط به عدالت اجتماعی در آن مشهود است، در مقاله ای که بعدا بعنوان موضعگیری رسمی هیئت تحریریه اعلام شده، عملکرد دادستانی ویژه امور صنفی را مورد حمله قرار داد و در پاسخ دادستانی ویژه امور صنفی ضمن اشاره به حمایت شخص وزیر بازرگانی از مأمورین رشوه خوار توزیع، در نامه ای به روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: "تا تروریستهای اقتصادی حامیانی نظیر روزنامه جمهوری اسلامی دارند، ما موفق نخواهیم شد" (نقل به معنی) از بقیه در صفحه ۱۳

در هفته ای که گذشته

بقیه از صفحه ۱۲

جمهوری اسلامی ۱۰ بهمن ۶۱)

رویدادهای فوق نشان می دهد که هیچ چیز نمی تواند پیروان دوگرایش متضاد را، یکی حامی سرمایه داران و بزرگ مالکان و دیگری مدافع منافع محرومان و مستضعفین، با هم آشتی دهد. در سال پنجم انقلاب بی شک رهاوروی "خط" ها تشدید خواهد شد، رهاوروی ای که در نهایت راه رشد آینده جامعه ایران را تعیین خواهد کرد.

فعالیت آزاد و قانونی سیاسی، حق مسلم دگراندیشان مدافع انقلاب

در آغاز سال پنجم انقلاب، تضمین آزادی و فعالیت سیاسی برای احزاب و سازمانهای

دگر اندیش مدافع انقلاب، بخصوص حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، همچنان از اصلی ترین مسائلی انقلاب است. این نکته ای است که در اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده، ایران (۱۰ بهمن ۶۱ شماره ۲۸) نیز تصریح گشته است. منافع انقلاب ایجاب می کند که فعالیت آزاد سیاسی احزاب و سازمانهای مدافع انقلاب، بصورت قطعی آئین نامه مربوطه در وزارت کشور زمینه قانونی بخود بگیرد و تفسیقات غیر قانونی کنونی علیه فعالیت حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برطرف شود و آزادی رفیق کیانوری و دیگر رهبران حزب عملی گردد. در حقیقت سستی و تزلزل نشان دادن در اجرای این ضرورت اجتناب ناپذیر انقلاب، کانال مناسبی برای نفوذ دشمنان دوست نمایی است که از این طریق می خواهند جهان ناپذیرترین ضربه ها را بر انقلاب وارد سازند. حمله به صفوف حزب توده، ایران از جمله دستگیری رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی و جمعی دیگر از رهبران حزبی، بمثابة آغاز توطئه های سهمگین علیه انقلاب

و همه نیروهای انقلابی، تنها زمانی امکان پذیر گردید که اصل ۲۶ قانون اساسی درباره آزادی احزاب و جمعیت های سیاسی عملاً نقش گردید و به هشداری مکرر حزب توده، ایران (از جمله در نامه سرگشاده ۲۸ اردیبهشت ۶۱) ترتیب اثر داده نشد. اکنون ایمن واقع بحق نگرانی همه نیروهای مدافع انقلاب چه در ایران و چه در عرصه جهانی را برانگیخته است. این نگرانی که در موارد گوناگون ایراز نیز شده است، رنگه خطری است که مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی ایران باید به آن توجه کنند. تمام نیروهایی که اکنون نگرانی خود را از دستگیری اعضا و رهبران حزب توده، ایران ایراز میدارند، در گذشته استوار و ستم از انقلاب ایران دفاع کرده اند و از جمله متحدین و دوستان وفادار ایران انقلابی به شمار میروند. از جمله احزاب کمونیست و کارگری در کشورهای مختلف (یونان، آلمان، فدرال و...) و نیز نیروهایی از جبهه ضد-امپریالیستی جهانی، در هفته گذشته از دستگیری رفیق کیانوری و همزمانش ایراز نگرانی کرده اند.

«مسئله افغانستان» دستاویز ایجاد اتحادیه ارتجاعی در منطقه

بقیه از صفحه ۳

نمی شود اوضاع واقعی افغانستان و تحولات جامعه این کشور است، یعنی همان تحولاتی که کینه و دشمنی سبحانه، امپریالیست ها و در صدر آنها امپریالیسم آمریکا و عمال فئودال فراری آنها را برانگیخته است. واقعیت اینست که بر ویرانه های روابط در هم کوفته شده فئودالی و قبیلای به پرکت انقلاب اردیبهشت اینک تغییرات بنیادی در این کشور که در واقع یکی از عقب مانده ترین کشورهای جهان است بوقوع می پیوندد. برنامه های اصلاحی یعنی همان برنامه هایی که چهار سال است کشور ما برای پیشبرد آنها با شدیدترین مقاومت ها و کارشکنی ها روبروست، یعنی اصلاحات ارضی انقلابی، ریشه کن کردن فارتگری زالوهای اجتماعی، ایجاد زمینه های رشد اقتصادی و صنعتی کشور، سواد آموزی عمومی، تأمین آزادیها و مکرانیک، خانه سازی و ایجاد وسایل رفاهی برای زحمتکشان، گسترش امکانات آموزشی و درمانی رایگان برای همه، تأمین حقوق صنفی زحمتکشان، تأمین حقوق برابر برای زنان و مردان و غیره امروز در افغانستان با تمام توان و انرژی انقلاب و با کمک بی دریغ اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در جریان است. مردم افغانستان امروز در "جبهه ملی میهنی" که متشکل از طیف وسیعی از زحمتکشان از جمله روحانیون می باشد به پاسداری و حراسبت از دستاورد های انقلاب خود مشغولند. تمام تلاش ضد انقلابیون و حامیان آنها هم در جهت نابودی این دستاورد ها و ممانعت از اجرای اقدامات انقلابی بخصوص اصلاحات ارضی است. ایجاد رعب و وحشت در میان مردم افغانستان برای بیرون راندن آنها از خانه و کاشانه خود و افزودن بر تعداد مهاجرین نیز بخشی از این

توطئه ضد انقلابی است. مزاری روحانی افغانی در مصاحبه باروزنامه اطلاعات ۳ اسفند ۱۳۶۱ می گوید: "۰۰۰ یک سری برنامه های روسها بود برای تقسیم اراضی که مردم مجبور شدند زمین ها را بگیرند اما گروه های طرفدار آمریکا و فئودالهایی که به این گروهها پیوسته اند مردم را تهدید کردند که چرا زمین ها را گرفتید؟ شما عامل حکومت پیرک هستید، به مردم حمله کردند آنها را متهم به پرچمی بودن و خلقی بودن کردند و یک سری از آنها را کشتند و یک سری را هم زخمی کردند و مردم هم که حاضر نبودند به سوی روس ها که می دانستند مارکسیست هستند بیرون در نتیجه مهاجرت کردند". شیوه "مهاجر" سازی باصطلاح مجاهدین مسلمان را آقای مزاری بوضوح نشان می دهد، چیزی که بنظر عجیب می آید اینست که چگونه است که در کشور ما با وجود اینهمه درخواست و طومار از طرف دهقانان برای گرفتن زمین حتی آخرین تلاش برای اجرای طرح "ملازم" شده قانون بعد از چهار سال با قهر شورای نگهبان مواجه می شود در حالیکه در افغانستان دهقانان را مجبور به گرفتن زمین می کنند!!

مسئله افغانستان آتش گیران اتحادیه ارتجاعی

زنده نگهداشتن "مسئله افغانستان" بعنوان یک وسیله تجاوز امپریالیستی بخشی از استراتژی جهانی امپریالیسم آمریکاست که در واقع مختص افغانستان هم نیست، این مسئله در خاور نزدیک "مسئله فلسطینیهاست"، در آفریقا

مسئله "نیروهای کویانی در آنکولاست" و در امریکای لاتین "مسئله امنیت مرزهای هندوراس" است و هدف از همه این "مسائل" در هم شکستن انقلابهای افغانستان و ایران، جنبش های خلقهای فلسطین و جنوب آفریقا و امریکای لاتین و در همان حال استقرار دست نشانده گانی از نوع ضیاء الحق در این مناطق است. بدنبال سفر ضیاء الحق به آمریکا نقش شومنی که پاکستان در این سیاست امپریالیسم در منطقه باید بعهده بگیرد در مطبوعات جهان انعکاس یافت. امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی امید دارند که با تشکیل یک اتحادیه سرپوشیده در حول محور ریاض - اسلام آباد برافروختن پرچم "اسلام آمریکائی" بوسیله آن سدی در برابر اسلام انقلابی در منطقه برپا کنند "مسئله افغانستان" بعنوان آتش گیرانک این اتحادیه ارتجاعی باید همیشه در دستور روز باقی بماند. این از طرفی در راستای خط برزیسکی برای ایجاد جو تشنج و دشمنی بین همسایگان ایران است و از طرف دیگر تلاشی است برای دور کردن انقلاب ما از مسیر ضد امپریالیستی و مردمی خود و نزدیک کردن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به سیاستهای امپریالیستی و ارتجاعی. واقع بینی و شائبه انقلابی طلبد که در این "چاله" امپریالیسم کنده نیفتیم. جای ایران انقلابی نه در حلقه این توطئه امپریالیستی و در کنار ضیاء الحق و فهد و ریگان و تاجرلیکه در کنار مردم و دولت انقلابی افغانستان است، تصوم اینکه شکست انقلاب افغانستان و استقرار اویسی ها و پالیزیانهای این کشور چه عواقبی بسرای انقلاب ما خواهد داشت وحشتناک است. باید به ندای صلح خواهی افغانستان انقلابی پاسخ مثبت داد و در مبارزه مشترک با دشمنان مشترک خلقهای دو کشور، در جبهه ضد امپریالیستی ورشد و ترقی درکنار هم بود.

نامه سرگشاده علی خاوری، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران به حضرت آیت الله العظمی منتظری

بقیه از صفحه ۲

و میلیارد ها سود غارتگرانه‌ای که از این راه عاید بزرگ سرمایه داران میشود تاثیر چه نیروها و چه اشخاصی را بد نیال دارد؟ حضرت آیت الله، دلیل اتهامات واهی علیه دوستان ما که امروز در زندان بسر میبرند تنها و تنها جهت گیری قاطع آنان در این مبارزه اجتماعی بنفع کارگران و دهقانان و سایر توده های زحمتکش میهن ماست. رفقای ما نه جرمی مرتکب شده اند و نه اتهامی به آنان می چسبد. تریبون آزاد تلویزیون را در اختیار آنان بگذارید تا ایسن حقیقت را بر همه اثبات کنند.

رفیق ما نورالدین کیانوری دبیرس اول کمیته مرکزی حزب توده ایران در مورد چنین جرائم و اتهامات متنبه است که میگوید: "جرم ما این است که از دیر زمان راه انقلاب را چه در درون میهن و چه در صحنه جهانی بدرستی شناخته ایم و با روشنی و پیگیری بر مواجعی که به آن صاد قانه معتقدیم، ایستاده ایم".

ما شعار نه شرقی و نه غربی را تا آنجا که منظور احترام تام و تمام به استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت کشور باشد محترم می شماریم. ما معتقدیم، همانطور که کسان دیگری نیز از رهبری جمهوری اسلامی ایران معتقدند،

داشتن رابطه با سایر کشورها تا آنجا که منطبق با منافع و مصالح کشور ماست قابل احترام است. بنا به اهیت ضد سرمایه داری، ضد امپریالیستی و مردمی سیستم جامعه کشورهای سوسیالیستی هیچگاه خط مسامی بین کشورهای سوسیالیستی و امپریالیستی و جهان سرمایه داری غارتگر غرب نگذاشته ایم. منطق ما ساده است: نمیتوان ضد امپریالیست بود و با کشورها و نیروهای ضد امپریالیست دشمنی ورزید. اینهم علت وجودی دیگر اتهامات بی اساس وابستگی و جاسوسی بر رفقای ماست.

حضرت آیت الله، حمله بر رفقای ما و حزب ما حمله به انقلاب ایران، حمله به مسلمانان انقلابی و ضد امپریالیست ماست. حزب توده ایران، حزبی که ۱۰ هزار سال زندان بدوش میکشد، حزبی که رهبری آن به تنهایی بیش از ۳۰۰ سال زندان کشیده است، حزبی که هزاران قربانی در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی داده است. شهادت سرتاسر مطبوعات و نشریاتش، شهادت اقدامات قاطعش در پلنداری از انقلاب، از پایه های انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما بوده و هست.

کینه خادمان امپریالیسم و سرمایه غارتگر جهانی، از ریگان ها و بگین ها گرفته تا شریعت مداری ها و قطب زاده ها و عناصر نفوذی در دستگاه های جمهوری اسلامی ایران نسبت به حزب توده ایران نه بخاطر آنست که آنان در غم سلامت و عافیت میهن ما هستند، بلکه در دست برعکس، آنها حزب توده ایران را سبب راه انجام جنایات و خیانت های خود علیه منافع ملی و میهنی ما میدانند. پس بزرگم آنان این حزب باید از میان برداشته شود. دستگیری رفقای ما و تضییقات علیه حزب توده ایران اقدامی است که تنها این دشمنان میهن ما و انقلاب شکوهمند آنرا شاد کرده و میکند.

حضرت آیت الله، مطمئنم که دوستان ما که در زندانها نشسته اند در همین لحظات نیز غم خود را نمیخورند. آنها حالا هم در غم انقلاب ایران، سرنوشت آن، در غم آفات توطئه سهمگینی هستند که از مدتها قبل علیه انقلاب طرح - ریزی و بکار گرفته شده است و همچون بهمن ویرانگری بسمت قلب تپنده انقلاب در حرکت است. میگویند نه! یک یک آنان را بخواهید تا بدانید که ارزش اتهامات واهی وارد بر انسان و عمیق خست تهدید کننده انقلاب تا چه اندازه است.

با احترام

بازار مشترک اسلامی، از امکان تا واقعیت

بقیه از صفحه ۶

بحران ها و نوسانات بازار جهانی سرمایه داری به کشور ما خواهد بود. درست از همین روست که رژیم های ضد ملی و ضد مردمی پاکستان و ترکیه نسبت به "هم پیوندی" اقتصادی با ایران روی خوش نشان میدهند، مسلما اگر این "هم پیوندی" بنفع استقلال اقتصادی کشور ما و آنها بود، این دو رژیم تبه کار وابسته به امپریالیسم، چنین موضعی اتخاذ نمی کردند. به دیگر سخن، "هم پیوندی" اقتصادی با پاکستان و ترکیه را باید "هم پیوندی"، هر چند غیر مستقیم و با واسطه، با سرمایه های انحصاری آمریکایی و اروپایی و ژاپنی تلقی کرد. چنین "هم پیوندی" تنها به نفع امپریالیسم، جزایان امر استقلال اقتصادی کشور ماست، زیرا ما با توسعه "بیرویه" مناسبات اقتصادی با پاکستان و ترکیه نمی توانیم از وابستگی اقتصادی و سیاسی این کشورها به امپریالیسم جهانی و بازار جهانی سرمایه داری، که از سرشت ساختار اجتماعی - اقتصادی و رژیم های سیاسی حاکم بر این کشورها سرچشمه می - گیرد، بکاهیم. البته آنچه گفته شد بدان معنی نیست که نباید با پاکستان و ترکیه مناسبات اقتصادی داشت، ولی این مناسبات باید بنه نحوی باشد که مجرای رسوخ انحصارهای امپریالیستی به میهن ما نشود.

واقعیت اینست که بجز پاکستان و ترکیه، دیگر کشورهای مسلمان وابسته به امپریالیسم جهانی نیز، چون عربستان سعودی، مصر، امارات متحده عربی، اندونزی، مراکش، اردن و غیره نیز نه می توانند و نه میخواهند با ما در یک جبهه واحد و در یک بازار مشترک علیه توسعه طلبی نواستعماری امپریالیسم شرکت کنند.

کشور ما برای کسب استقلال اقتصادی و نیل به خود کفایی نسبی، راه بسیار طولانی و دشواری را پیش رو دارد و برای پیوند این راه باید از تمام امکانات موجود در جهان، به نحوی که به استقلال لحظه نرزد استفاده کند. سمت گیری های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کشورهای مترقی مسلمان هر چند بزبان منافق ملی ما نیست، اما این کشورها در چنان مراحل از رشد اقتصادی صنعتی، علمی و فنی قرار ندارند که بتوانند بطور جدی در پایه ریزی یک اقتصاد پیشرفته و نیرومند در ایران و از جمله گسترش صنایع مادر، یعنی صنایع سنگین برای تولید وسایل تولیدی و پاور باشند.

از آنچه گفته شد نتیجه گرفته میشود که طرح ایجاد بازار مشترک اسلامی، با توجه به نکات یاد شده، در شرایط کنونی فاقد محللهای عینی واقعی است. لذا مطرح کردن شعار ایجاد بازار مشترک اسلامی میان کشورهایی که از لحاظ ساختار اجتماعی - اقتصادی و سمت گیری سیاسی ملخه، ناهمگونی را تشکیل میدهند و بعلاوه فاقد پایه های اقتصادی نیرومندی هستند، در بهترین حالت، تنها منعکس کننده "نیات حسنه" مطرح کنندگان این شعار است، اما تنها نیات حسنه برای بهره گیری از قانوندهیهای عینی اجتماعی - اقتصادی به نفع توده های مردم کافی نیست. یگانه راه، کنار گذاشتن تصورات پیش ساخته و معیارهای ذهنی، شناخت واقع بینانه این قانونمندیها و استفاده از آنها در راستای امر مقدس استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی است.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

پیام هیئت تحریریه روزنامه "راه توده" به همه علاقمندان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران

بقیه در صفحه ۱

کشور اسلامی جنگ ندارند، در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکردند، بطور آزادانه عمل می‌کنند و بطور آزادانه حرف هایشان را می‌زنند. "آزادی فوری رهبران حزب توده" ایران و تأمین امکان واقعی "فعالیت آزاد، قانونی و وطنی" برای حزب توده ایران را می‌طلبید. دست‌درازی پشتیبانان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران در جهان!

— به دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن خواستار آزادی فوری رهبران و مسئولین، به ویژه رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، گردید.

— با ارسال نامه، تلگراف، یا جمع‌آوری امضا و از طریق ملاقاتهای حضوری عنق خطری را که دستاوردهای انقلاب را تهدید می‌کند به امیام خمینی، رهبر انقلاب و به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران توضیح دهید.

— هشدار دهید، که حقوق دموکراتیک تجزیه‌ناپذیرند، تجاوز به حقوق و آزادی مدافعان سوسیالیسم علمی که پیگیرترین مدافعان پیشرفت و ترقی اجتماعی و تأمین عدالت اجتماعی برای زحمتکشانند، سرآغاز تجاوز به حقوق دموکراتیک تمام آزادی خواهان و مدافعان زحمتکشان و طالبین پیروزی انقلاب کوخ نشینان علیه کواخ نشینان است!

ها را به عنوان نیروی ضد انقلابی به مردم ایران معرفی کرده و از روحانیت و مسلمانان مبارز پیرو خط امام خمینی پشتیبانی کردیم.

جرم ما اینست که سرچشمه اساسی همه جرم‌ها: ذات‌خائنه و ضدانقلابی را، که همان نظام غارتگر کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی وابسته به امپریالیست است، شناختیم و ماهیت خونخوارش را عریان ساختیم.

این هاست "جرم های سنگین و گذشت ناپذیر" ما! این هاست علت اساسی عطف تسلی ناپذیر دشمنان حزب ما به خون تودهای ما! این هاست علت اساسی تلاش جنون آمیزی که در ماه‌های اخیر برای پرورده سازی علیه حزب ما به راه افتاده و هر روز ابعاد گسترده تری به خود می‌گیسرد!

اطلاعیه با اشاره به درسی که تمام انقلابی‌هاست با نافرجام در سراسر جهان به همه پیوندگان راه استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی می‌آموزد! اعلام می‌کند که "حمله به احزاب کمونیست و کارگری همیشه سرآغاز مسخ و شکست انقلاب بود است."

کمیته مرکزی حزب توده ایران در خانه اطلاعیه خود با اشاره به "حق صریحی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای فعالیت‌ها سیاسی قائل است" و با اشاره به تعهداتی که رهبر انقلاب امام خمینی در قیام و بعد از پیروزی انقلاب در مورد آزادی‌های اجتماعی و سیاسی پذیرفته است و از جمله اعلام کرده است: "همه احزاب و گروهها تا وقتی بنا

سلامت این رفقا تدارک دیده شده است، بلکه نشان دهند خطر جدی‌ای است، که کسلب انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما و دستاوردهای آن را تهدید می‌کند. همانطور که در اطلاعیه فوق الذکر به نقل از نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به مقامات جمهوری اسلامی ایران آمده است: "کمیته مرکزی حزب توده ایران از مدتی قبل محتوا توضع ناچوانمردانه امپریالیسم و ایادی داخلی آنرا که به اشکال مختلف برای ضربه زدن بر حزب توده ایران چیده شده است، افشا کرده و انگیزه اساسی این توضع‌ها و جرائم و اتهامات و افتراآت منتسبه را نشان داده است." در این اطلاعیه از قول رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی اظهار می‌شود:

"جرم ما اینست که از دیر زمان راه انقلاب ایران را به درستی تشخیص دادیم."

جرم ما اینست که دوستان و دشمنان انقلاب ایران را به چه در درون میهن و چه در صحنه جهانی به درستی شناختیم و با روشنی و بیگیری بر موضعی که به آن صادقانه معتقد هستیم، ایستادیم."

جرم ما اینست که ماهیت لیبرال‌ها، امپریالیست‌ها، پنی‌صدها، قطب‌زاده‌ها، بازارگان‌ها، یزدی‌ها، صباغیان‌ها، قاسمی‌ها و سنجایی‌ها را به عنوان امید و تکیه‌گاه امپریالیسم آمریکا، به موقع افشا کردیم."

جرم ما اینست که از سال ۱۳۵۳، بدون هراس از عواقب آن برای خودمان و شریعتمداری

هیئت تحریریه "راه توده" ۱۵ فوریه

دگرگونی ریشه‌ای نظام توزیع از ضروریات مبرم انقلاب است

بقیه از صفحه ۱۰

و روستا علی شود. بخش‌بزرگی از توزیع و کنترل می‌تواند توسط این تعاونیها مستقیماً صورت گیرد. این درخواستی است که نمایندگان ۱۰۰ تعاونی محلی مصرف استان تهران که چندی پیش در اولین گرد همایی خود در تهران در مقابل مقامات مسئول دولتی نهادند. (ضمیمه اقتصادی اطلاعات ۶۱/۱۰/۵)

طبق آمار منتشره در روزنامه اطلاعات (۶ آبان ۱۳۶۰) در سال گذشته ۷۵۰ هزار تاجر یا واسطه و فروشنده خرده پا در بازار مشغول فعالیت بوده و در سایر نقاط تهران ۸۰۰ هزار مغازه و فروشگاه و ۴۲۰ هزار واسطه صنفی مختلف وجود دارد. (نقل از ضمیمه اقتصادی اطلاعات هفتم آذر ۶۱).

سرمایه گذاری دولتی در بخش تولیدی و خدماتی بایستی در جهت ایجاد و جذب نیروی کاری باشد، که در حال حاضر به کار دلالی و خرده فروشی مشغول شده‌اند. با اعمال سیاست صحیح سرمایه گذاری دولتی و کنترل و هدایت سرمایه خصوصی محدود در بخشهای کوچک اقتصادی می‌توان و باید عمده نیروی فعالی که در حال حاضر در بخش دلالی و تجارت مشغول است جذب کرد.

سرگردان است بسیار کم بها می‌دهند. در حالی که، همانطور که رفیق کیانوری (پرسش و پاسخ اول آبان ۶۱) اشاره می‌کند، در واقع وجود "سرمایه‌های سرگردان" به خودی خود باعث بروز نابسامانی در امر توزیع و گرانی و بالاخره تروریزم اقتصادی نمی‌شود، بلکه اینس لجام نداشتن "سرمایه‌های سرگردان" است که باعث تروریزم اقتصادی می‌شود.

حزب توده ایران بارها اعلام کرده است که نه با ارشاد اسلامی، نه خریه نقدی و نه بسا تشبیه بدنی نمی‌توان با تروریزم اقتصادی مبارز کرد. تنها راه حل برای از بین بردن اینس نابسامانی و بی عدالتی اقتصادی عبارتست از "ایجاد بخش دولتی توزیع به موازات بخش خصوصی، از بین بردن بخش بزرگ تجارت غارتگر و کنترل بخش متوسط و کوچک توزیع" (پرسش و پاسخ اول آبان ۶۱) توسط دولت که باید از طریق ایجاد و تقویت تعاونیهای مصرفی در شهر

کمیته بر می‌آید، ایشان از مخالفان دولتی شدن توزیع است و در زمره کسانی می‌باشد که آقای مهناجرانی رئیس کمیسیون بازرگانی مجلس آنان را طرفدار سود جوئی و غارتگری می‌داند. آقای خاموشی صراحتاً می‌گوید: "در مورد توزیع کالا با ستاد بسیج اقتصادی اختلافاتی داریم. ستاد بسیج اقتصادی بر این عقیده است که توزیع کالاها همانند خرید آن بایستی دولتی شود ولی ما به توزیع آن توسط بخش خصوصی عقیده مندیم." (اطلاعات ۶۱/۹/۱۶)

آقای موسوی خامنه‌ای نخست وزیر، در سخنانی که در روزنامه های اطلاعات و کیهان نشر شد، علل عمده وضع نابسامانی کنونی را عوامل طبیعی و به اصطلاح طبیعی یعنی مختصر اقتصادی و کمبود ارز می‌پندارند. ایشان از "سرمایه‌های سرگردان" نیز بعنوان عاملی نام می‌برند، ولی متأسفانه به عوامل آگاهانه و مصنوعی‌ای که باعث عملکرد غارتگرانه "سرمایه‌ها"



اعتصاب غذای مبارزان فلسطینی در اردوگاه انصار

مبارزان فلسطینی و میهنپرستان لبنانی که در استاز اشغالگران اسرائیلی در اردوگاه انصار بسر میبرند در اعتراض به وضع غیر انسانی حاکم بر این اردوگاه دست به اعتصاب غذا زدند. صد ها نفر از مجوسها هفت هزار زندانی اردوگاه که در این فعالیتات شرکت جسته بودند مورد حمله وحشیانه مأموران اسرائیلی قرار گرفتند. ساکنین محلات مجاور این اردوگاه گزارش دادند که سربازان اسرائیلی آتش مسلسل را بر روی این زندانیان بارز گشود و بسیاری از آنان را مجروح ساخته اند. ساکنین این محلات با شنیدن تیر اندازی شدید در داخل اردوگاه در این محل اجتماع کرده و به تظاهرات علیه رفتار مأموران اسرائیلی پرداختند. آنها نیز با عکس العمل مشابهی روبرو شدند.

اخیرا خبرگزاریها گزارش داده اند که اشغالگران اسرائیلی روسای محلات و بخشهای کوچک مناطق اشغالی در لبنان را مجبور به تشکیل گروههای مسلح برای همکاری با اشغالگران صهیونیست میکنند.

کمیسیون ویژه تحقیق درباره وقایع اردوگاه هبلی صیبرا و شتیلا نتیجه تحقیقات خود را منتشر کرد. این کمیته که پس از مشاجرات فراوان در اسرائیل با موافقت دولت یگین شروع بکار کرد، بخشی از حقایق این واقعه را منتشر ساخته است. چنانکه این کمیسیون فاش کرده است سربازان اسرائیلی به فالانژیستهای لبنانی اجازه دادند تا برای جستجوی مبارزان فلسطینی وارد این دو اردوگاه شوند. این کمیسیون همچنین اظهار داشته است که این اجازه با اطلاع مستقیم شارون وزیر دفاع و چند تن دیگر از رهبران ارتش اسرائیل صورت گرفته است. اما چیزی که در این گزارش نیز پنهان مانده است شرکت مستقیم سربازان اسرائیلی در این کشتار وحشیانه مردم بیگناه ساکن در این اردوگاههاست.

دولت یگین مجبور شد علیرغم خواست خود تحت فشار افکار عمومی اسرائیل شارون را از پست وزارت دفاع آزاد ساخته تا خود را در این بین بیگناه جلوه دهد. دامنه اعتراضات مردم که در پی انتشار این گزارش شدت یافته بود به آنجائی کشید که مخالفان و هواداران شارون در خیابانها به زد و خورد پرداختند.

«جلاد لیون» برای سازمان سیافعالیت داشت

محافل شرقی جهان از تحویل کلاوس باربی معروف به «جلاد لیون» به فرانسه استقبال کردند. خبر تحویل این جلاد مبارزان نهضت مقاومت فرانسه و بسیاری از ضد فاشیستهای آلمانی یکی از مهتر مسائل جهان در چند هفته اخیر را تشکیل میدهد. این شخص که پس از سالها اقامت در آلمان فدرال به پرو و متعاقبا به بولیوی مهاجرت کرده بود مستقیما برای سازمان سیافعالیت داشت و چندین بار برنامه کودتاها را در راستوی نظامی در بولیوی و دیگر کشورهای آمریکا لاتین را طرح ریزی کرده بود. دولت فرانسه بارها تقاضای تحویل این شخص را کرده بود اما راستگراهای حاکم در بولیوی که از خدمات باربی بی نصیب نبودند طبعیا به چنین کاری دست نیزدند. پس از روی کار آمدن دولت شرقی در بولیوی وی آزاد شده و به فرانسه تحویل داده شد. چنانکه مقامات قضائی فرانسه اعلام کرده اند وی به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه خواهد شد. وی قبلا در فرانسه دسبار به اعدام محکوم شده بود.

آمریکا

نشریه آمریکائی «نیویورک تایمز» گزارش میدهد که طبق یک همه پرسی انجام شده در آمریکا ۹۰ درصد مردم این کشور معتقد به لزوم توقف تسلیحات اتمی اند. نتایج این همه پرسی که تقریبا در همه ایالات آمریکا و در میان نمایندگان از همه اقسام و گروههای اجتماعی آن کشور انجام گرفته است، نشان میدهد که اکثریت عظیم مردم آمریکا دروغ عقب ماندگی نظامی آمریکا در برابر اتحاد شوروی را باور نداشته و به این علت مخالف ساختن سلاحهای جدید هستهای اند. آنها مخالف تخصیص دادن قسمت قابل توجه بودجه سالانه کشور به هزینههای نظامی بوده و در یافتن آن که این سیاست مسبب اصلی وخامت وضع

اقتصادی کشور و بویژه گروههای اجتماعی کم در آمد و زحمتکشان است. طبق این همه پرسی بیکاری هموم، وضع تامین اجناس و عدم توازن در صادرات و واردات کشور، نگرانی عمده اکثریت مردم آمریکا را تشکیل میدهد.

نامیبیا

پرزده و کوتیلار، دبیر کل سازمان ملل متحد مسئله مشروط ساختن استقلال نامیبیا به مسائل جنبی را شدیدا رد کرد. وی کوششهای رژیم نژادپرستان آفریقای جنوبی و حامیان آنرا برای مشروط کردن استقلال نامیبیا به انجام بعضی درخواستها توسط دولت آنگولا را دخالت در امور داخلی این کشور خواند. وی تصریح کرد که قطعنامه ۴۳۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد میتواند پایه مناسبی برای حل مسئله نامیبیا باشد. این قطعنامه حاوی تمام مواد ضروری است و احتیاج به هیچ تغییری ندارد. وی در سفر اخیر خود به آفریقا با سران کشورهای خط مقدم جنبه «و رهبر سوپا» دیدار و مذاکراتی حول مسائل استقلال نامیبیا انجام داد.

کره جنوبی در مستحکم آمریکا

خبرگزاری سین هوا طی تفسیری انجام مانور «تیم اسپریت ۸۴» در کره جنوبی را تلاشی برای تشدید وخامت اوضاع مشنج در جنوب شرقی آسیا، بویژه شبه جزیره کره خواند. این خبرگزاری که مواضع رسمی دولت جمهوری خلق چین را منعکس میکند در این تفسیر اعلام داشت که «آمریکا کره جنوبی را بمثابة دژ مرزی» بشمار میآورد که باید منافعش را در این منطقه از جهان حفظ کند. از هنگام بدتر شدن رسیدن ریگان فعالیتهای نظامی آمریکا در کره جنوبی افزایش بیسابقه داشته و صدور اسلحه و تقویت کمی نیروهای آمریکائی مستقر در این کشور شدت یافته است. این خبرگزاری در تفسیر خود خواستار قطع تهدیدات آمریکا علیه کره دمکراتیک و احترام به حق خلق برای تعیین آینده خود در دو قسمت کره شد.

**کمک مالی به
حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!**

RAHE TUDEH
No. 29
Friday, 18 Feb. 83

Winfried Schwarz
Address: Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30 P.
West-Germany	Belgium 22 Fr.
1 DM	Italy 350 L.
France 3 Fr.	U.S.A. 40 Cts
Austria 8 Sch.	Sweden 2 Skr.

ندهند. دیگر هیچ مانع رادعی برای مسخ انقلاب و سرکوب تمام کسانی که دم از خاف زحمتکشان میزنند، وجود ندارد.

در باره اتهامات وارد شده به رهبری حزب تنها میتوان گفت: بزرگش نخوانند اهل خرد

که نام بزرگان بزشتی برد برادران مسلمان که مانند ما به شعارهای اولیه انقلاب: استقلال - آزادی - عدالت اجتماعی وفادارند!

مگذارید بار دیگر شما را در ما بکشند!

هجوم به حزب توده ایران، هجوم به خطوط مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب شکوهمند بهمن و شعارهای اصلی آن، یعنی آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی با خطری بسیار جدی روبرو شده است. اگر مدافعان تعمیق انقلاب به نفع زحمتکشان به تجاوز راستگرایان به جان انقلاب، که حقوق و آزادیهای دمکراتیک و قانونی است، پایان

توطئه خطرناک علیه جنبه های

بقیه از صفحه ۵

سیاسی و اجتماعی، اعلامیه ده مادای دادستان و بالاخره فرمان ۸ مادای امام خمینی اعتقاد کرده بودند.

اینک با هجوم مستقیم ارتجاع داخلی به رهبران حزب توده ایران، خطوط مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب شکوهمند بهمن و شعارهای اصلی آن، یعنی آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی با خطری بسیار جدی روبرو شده است. اگر مدافعان تعمیق انقلاب به نفع زحمتکشان به تجاوز راستگرایان به جان انقلاب، که حقوق و آزادیهای دمکراتیک و قانونی است، پایان